

ایبوی



مفهوم هویت و معماری امروز ایران

اصولی فرا زمینی در معماری اسلامی در بیان استاد عبدالمحید نقره کار

مصاحبه با دکتر محسن وفامهر به بهانه فناوری به گستره تعالی معمارانه

خانه ایرانی یا آپارتمان ایرانی...؟! نقدی بر وضعیت خانه های ایران

سفری به معماری شهر یزد؛ شهر قنات و قنوت و قناعت

انعکاس طرح ۲ ارشد دکتر حمید ندیمی در دانشگاه امام رضا

برگزیدگان نخستین مسابقه عکاسی ایوان با موضوع هویت

نشریه علمی تخصصی دانشجویی
دانشکده هنر و معماری اسلامی
دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)
سال سوم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۶

هویت ایرانی اسلامی

خانه عباسیان کاشان

صاحب امتیاز : دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)

مدیر مسئول : دکتر قدیر صیامی

استاد مشاور : دکتر محسن وفامهر

سر دبیر : مهندس ایمان عرب

کارگروه مقالات: میلاد علمدارلو

کارگروه انعکاس: نازنین پورسلیمی

کارگروه خبرنامه: عطاالله بخشایشی

کارگروه سفرنامه: سمیرا سپهری

گرافیک کامپیوتری: تینا دهقان

صفحه آرایی: خاطره قاسمیان

طراح لوگو و جلد : ایمان عرب

عکس روی جلد : فاطمه ارومیه ای

ارتباط با نشریه:

۰۹۱۲۰۲۱۴۵۳۰

مهندس ایمان عرب

Eyvan\Journal@gmail.com

پست الکترونیک

Eyvan\Journal@yahoo.com

پست الکترونیک

Telegram.me/eyvan_journal

کانال تلگرام

Instagram.com/eyvan.journal

پیج اینستاگرام

آدرس: مشهد، بلوار منتظری، بین منتظری ۵ و ۷، دانشکده

هنر و معماری اسلامی دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)

تلفن: (۲۲۵۶) ۳۸۰۴۱ - ۰۵۱





همچو عکس آب
تشویش از بنای ما نرفت

مرتعش بوده است گویے
پنجه معمار ما...

بیدل دهلوی

فهرست

فناوری به گستره

گزارش



تعالی معمارانه

سخن سر دید

سخن



مهندسی ایمان عربی

خانه ایرانی یا

نقد



آپارتمان ایرانی

مفهوم هویت و

مقاله



معماری امروز ایران

مروری بر آثار معماری

سفرنامه



یزد شهر کهن و ماندگار

حکمت و فلسفه

خبرنامه



در معماری اسلامی

درس طرح دو ارشد معماری

انعکاس



مسابقه عکاسی ایوان

سخن سردبیر

هویت از موضوعات بسیار مهم و حیاتی معماری هر جامعه ای از گذشته تاکنون بوده است. ضرورت دستیابی به معماری با هویت ایرانی در این برهه زمانی از تاریخ معماری ایران که اکثر بناهای آن سوار بر موج بی هویتی شده اند و با توجه به تاریخ و تمدن غنی معماری سنتی هفت هزار ساله ایران بر کسی پوشیده نیست. بی تردید و با کمی جستجو و تحلیل در آثار سنتی معماری ایران می توان دریافت که نسبت به چه گنجینه بزرگی از هنر و علوم مهندسی بی تفاوت بوده و هستیم و متأسفانه امروزه دچار سرگردانی و بی هویتی در جامعه معماری خود شده ایم. لذا می بایست با بررسی و مطالعه دقیق و الهام از معماری سنتی خود، تداوم ارزش های والای معماری گذشته از جمله هویت را در جامعه و چهره معماری معاصر ایران ادامه دهیم.

گروه نشریه هنر و معماری ایرانی ایوان نیز آرزو دارد رساله هایش همواره همراه شما باشند به همین دلیل است که حداکثر تلاش خود را کرده تا در شماره هایش علاوه بر معرفی و بررسی و تحلیل معماری بی نظیر و با ارزش ایرانی اسلامی و دربرگیری تمام موضوعاتی که برای دانشجویان و مخاطبان و علاقه مندان معماری ایرانی مورد نیاز است با بیانی روان و قابل فهم کلیه مطالب و مباحث را شرح و بسط دهد تا خواننده را از رجوع به متون ، کتابها و منابع مشابه بی نیاز کند و سال ها در کتابخانه های شما به عنوان مرجعی ماندگار و جامع در حوزه معماری ایرانی و اسلامی حضور داشته باشند. در پایان از زحمات تمام کسانی که ما را در راستای اهداف این نشریه یاری می نمایند کمال تشکر را می نمایم

با آرزوی توفیق

ایمان عرب



مقاله

هویت در معماری ایرانی

هویت در معماری ایرانی

علی اکبر قطبی

[کارشناس ارشد معماری از دانشگاه هنر]

مفهوم هویت و معماری امروز ایران

چکیده:

مقوله ای به نام «هویت» سابقه ای به بلندای تاریخ دارد. آن زمان که انسان احساس کرد باید به کیستی و چیستی خود در برابر طبیعت و ماورای طبیعت پاسخ گوید، هویت متولد شد. در مقاله حاضر به منظور روشن شدن حقیقت مفهوم هویت، سعی شده با استفاده از مطالعه اسنادی، این مفهوم در سه

هویت در معماری، و بحران هویت در معماری معاصر ایران در حوزه های علوم اجتماعی، علوم انسانی و معماری و شهرسازی مورد بررسی قرار گیرد. بطوریکه نتایج بدست آمده در طراحی های متکی بر مسئله هویت بکار گرفته شود. این مقاله در نهایت به این نتیجه می رسد که هویت بیش از آن که معطوف به گذشته باشد، به بینش افراد مرتبط است، زمان حال را در بر می گیرد و تقاضا برای



مقدمه

بزرگان حوزه های مختلف علوم اجتماعی در طول تاریخ در مورد مسئله هویت بسیار بحث کرده اند و نظریه هایی متنوع داده اند که بعضا در تضاد با یکدیگر قرار می گیرند که این خود گواهی است بر پیچیدگی و ابهام موجود در مبحث هویت. به همین دلیل است که می گویند مفهوم هویت از مباحث سهل و ممتنع در عرصه علوم اجتماعی و سیاسی است. سهل است به این معنا که برای همگان محسوس و معلوم می نماید و ممتنع است زیرا به تعبیر اریک اریکسون هر چه بیشتر در این موضوع مطلب نوشته می شود نامفهوم تر و دشوار تر می شود.



در اثر به وجود آمدن بحران های هویت و به واسطه خصوصیت ذاتی مفهوم هویت که مرتبا در حال تغییر و تحول است بعضا راهکارهایی سطحی و مقطعی به منظور ایجاد هویت به کار برده می شود. در واقع استفاده از چنین روش هایی تنها توهمی از هویت به وجود می آورد. در این مقاله بر آنیم به این پرسش پاسخ دهیم که مفهوم هویت در معماری چیست و بحران های هویتی چه پیامدهایی در معماری معاصر ایران داشته است؟ لازمه پاسخ به این پرسش باز کردن مفاهیم و پاسخ به پرسش های دیگری است که از جمله آن ها می توان به موارد زیر اشاره کرد: هویت چیست؟ هویت کاذب به چه معناست؟ آیا باید به ثبات در مقوله هویت اعتقاد داشت یا به تغییر؟ آیا استفاده از نمادهای باستانی در معماری هویت زاست؟ و... خود این مفاهیم و پرسش ها نیز از منظر مکاتب و حوزه های مختلف دارای تعاریف و تعبیر متعددی هستند که این امر نیز بر ابهام موجود در این مسئله می افزاید. این ابهام شاید به این دلیل باشد که هویت خود هویت ثابتی ندارد و مرتبا در حال تغییر و تحول است و در زمان ها و مکان های مختلف و از دید جوامع مختلف و فرهنگ های بشری، همچنین در حوزه های مختلفی که این مسئله در آن مطرح می شود مفهوم خود را عوض می کند. اصطلاح شناسی و مفاهیم واژه هویت همان طور که در مقدمه اشاره شد، مفهوم واژه هویت در حوزه ها و مکاتب مختلف دارای تعاریف و اختلافاتی است که باید این مفاهیم پیش از وارد شدن به بحث هویت ایرانی و هویت معماری مورد بررسی قرار گیرد تا به درکی کلی از واژه هویت و معنای آن دست یابیم. این بخش ابتدا به اصطلاح شناسی واژه هویت می پردازد و سپس مفاهیم هویت را مورد بررسی قرار می دهد تا به صورت تأویلی به ریشه یابی معانی هویت بپردازد و علل تغییرات و چندگانگی این مفهوم را مورد مطالعه قرار دهد. فرهنگ فارسی معین واژه هویت را چنین تعریف کرده است: «آنچه که موجب شناسایی شخص باشد یعنی آنچه باعث تمایز یک فرد از دیگری باشد.»

«فرهنگ عمید» نیز هویت را حقیقت شیء یا شخص می‌داند که مشتمل بر صفات جوهری او باشد. همچنین مقابل واژه هویت، لغات شخصیت، ذات، هستی و وجود را آورده است. از طرفی، «هویت به معنای آنچه که شخص را می‌شناساند می‌تواند مفهوم دیگری نیز در بر داشته باشد.

واژه انگلیسی آیدنتیتی می‌تواند این مفهوم را روشن کند، این واژه از سده شانزدهم وارد زبان انگلیسی شد و شکل‌های دیگر آن در زبان‌های اروپایی از واژه لاتین متاخر آیدنتیتاس گرفته شده.

آیدنتیتاس متشکل از دو بخش است، ایدم به معنای همان و انتیتاس به معنای وجود (موجود بودن) و بر سر هم به معنای همان موجود بودن و همانی مطلق است. در ریاضیات معادله‌ای که به ازای همه مقادیر متغیرهای خود ثابت باشد آیدنتیتی نامیده می‌شود.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در بررسی معانی و مفاهیم هویت در فرهنگ‌های لغت چه فارسی و چه غیرفارسی مفهوم هویت عمدتاً به دو معناست. در معنای اول، هویت یک شیء ذات و جوهر آن است.

کاربرد این معنا از هویت بیشتر به عرفان باز می‌گردد یعنی جایی که ذات و گوهر تمام اشیا، امور و افعال به خداوند باز می‌گردد و در واقع خداوند به عنوان ذات و گوهر تمام اشیا در نظر گرفته می‌شود. در گروه دوم هویت به معنای ویژگی‌هایی که موجب تمایز یک شیء از اشیای دیگر می‌گردد، تلقی می‌شود.

در علوم طبیعی بیشتر از این معنا استفاده می‌شود. در این تعریف مفهوم هویت با کلماتی نظیر خودیت، اصالت و شخصیت هم‌گروه می‌گردد. به‌طور کلی مفهوم هویت را در سه بازه زمانی پیش از مدرن، مدرن و فرا مدرن می‌توان مورد بررسی قرار داد.

در «فرهنگ لغات و اصطلاحات فلسفی» منظور از کلمه هویت اشاره به ذات و تشخیص و این همانی موجودات است و نیز آمده است: «واژه عربی هویت دارای کاربرد فلسفی است که عبارت است از دو چیز که با هم در وجود و حقیقت یکی باشند هر چند که دارای بعضی وجوه افتراق باشند.» همچنین، فرهنگ «American Heritage» در مورد واژه هویت به موارد زیر اشاره می‌کند:

۱- مشخصه‌هایی که به واسطه آن یک چیز به صراحت قابل شناسایی است.

۲- مجموعه‌ای از رفتارها و ویژگیهای شخصیتی که به واسطه آن عضو گروه خاصی تشخیص داده می‌شود.

۳- کیفیت یا شرایطی که به واسطه آن چیزی مساوی چیزی قرار داده شود.

۴- ویژگی‌های فرد.





در دوران مدرن معیارهای معین سنجش سنتی هویت افراد مردود اعلام شد و در نتیجه آن پرسش از هویت مطرح شد. در این دوران، مسئله هویت در بطن و متن گفتمان های نوین جای می گیرد و مسئله ای به نام فاعل شناسایی مطرح می گردد و مسئله اصالت انسان شکل می گیرد به طوری که انسان در مقابله با طبیعت خودش را مطرح می کند.

در تفکر مدرن مسئله این یا آن مطرح نیست و اختلاط ممکن نیست، هویت باید شفاف، خالص و ناب باشد. هویت انسانی به عنوان فاعل شناسایی به جایی می رسد که انسان جایگزین خدا می شود. در این تفکر هویت عبارت است از کیفیتی که ذهن برای بازشناسی آن ارزش دیگر به آن می دهد و هویت از آن شیء نیست بلکه از آن ذهن فاعل شناس است. بر اساس این تفکر مشخصه انسان عقل اوست و هر کس هر آنچه با عقل در یابد برای همگان در همه ازمنه و امکانه معتبر، معقول و مقبول است چون ماهیت و فطرت بشری واحد و یکسان است. انسان مدرن تابع قوانین و قراردادهایی است و این قراردادها تا زمانی مرجعیت دارند که قرارداد دیگری جایگزین آن نشده باشد. در این قراردادها نیک و بد مطلق معنی ندارد و نیک و بد را اکثریت تعریف می کند.

ج- مفهوم هویت پس از مدرنیته
مفهوم هویت در اثر تغییر و انسداد خود را مطرح می کند. یکی از این تغییرات که در طول دوران معاصر اتفاق افتاد و پیامدهای آن هنوز دیده می شود و زمینه ساز پرسش های زیادی در زمینه هویت شد تبدیل شدن جامعه سنتی به جامعه مدرن است. این تقابل سنت و مدرنیته با دو جهان بینی مختلف باعث به وجود آمدن مفهومی جدید از هویت می شود، اما این بار مسئله کمی متفاوت است.

مدرنیته دارای ادعای جهانی است، و سر نزاع با تمام خرده هویت های موجود در جهان، با آن همه پیشینه تاریخی شان دارد. بحران هویت مدرن در کشورهایی مانند ایران با آن سابقه تاریخی و وجود پاره فرهنگ های قومی و ملی بغرنج تر هم می شود. علاوه بر آن سرعت ارتباطات اجازه هیچ مقدمه چینی به مدرنیته نمی دهد؛ به صورت انقلابی همه چیز را عوض می کند و یک شبه ره صد ساله می پیماید. به منظور پاسخ گویی به این بحران هویتی ایجاد شده توسط مدرنیسم، پست مدرنیسم متولد می شود و هویت مدرن را به نقد می کشد.

الف- هویت در دوران پیش از مدرن

در ادبیات عرفانی ایران هویت در جامع ترین معنا به ذات مطلق گفته می شود. از این رو گاه به معنای هستی و وجود آمده است، ولی صدرالمتالهین با در نظر گرفتن اعتبار نسبی برای موجودات آن وجود منبسط و فیض مقدس را هویت ساریه نامیده است. هویت در این معنا (هویت بی در نظر گرفتن هویت ساریه) عبارت است از ماهیت که با تشخص لحاظ شد. قیصری رومی در مقدمه فصوص الحکم هویت را چنین تعریف می کند: آنچه شیئیت شی به آن است به اعتبار تحقق حقیقت گویند و به اعتبار تشخص هویت و با قطع نظر از هر یک ماهیت گویند.

ب- مفهوم هویت از دیدگاه مدرنیته

مفهوم هویت در دوران پیش از مدرن به صورت امروزی مطرح نبود. به گفته هایدگر آدمی تصویری بود که از چشم خدایان یا خداوند دیده می شد و هویت او محصول کار کرد یک نظام مقتدر و از پیش تعیین شده باورهای دینی و آیینی و اسطوره ای بود. به بیانی دیگر گذشته و الگوهای سنتی بر امروز حکم می راندند و اکنون و امکان آینده را پدید می آوردند. به همین دلیل گذشته در دوران سنتی بسیار مهم دانسته می شود. اما در دوره مدرن مفهوم هویت دچار دگرگونی شد. انسان مدرن دیگر نمی توانست هویت خود را به همان صورت گذشته بیندازد.

هایدگر می گوید هویت برابری است و پرسش از هویت هنگامی مطرح می شود که بخواهیم دو چیز متفاوت را برابر معرفی کنیم.

در کتاب مقدس می خوانیم که خداوند انسان را به صورت خویش آفرید، در حالی که فویرباخ در دوران پس از مدرن چنین بیان می کند که انسان خداوند را به صورت خویش آفرید. با توجه به چنین اعتقادی که انسان خالق خداست، کثرت

خود و معماری خود را می سازد. در واقع عالم کثرت عالم واگرایی است. انسان کثرت گرای فرا مدرن در پی یافتن هویت گم شده نیست، در پی یافتن هویت ویژه ای برای خود است. انسان کثرت گرا از هر رنگی بگریزد و به خود بپردازد و تفاوت خود را با دیگران آشکار کند با

وحدت، خدایی بودن و در عالم کثرت، خود بودن است.

نتیجه آن که هویت ماهیتی متناقض دارد و همین امر باعث شده تعریفی جامع و مانع از هویت وجود

۱- هویت به طور هم زمان دارای یک عنصر ایستا و یک عنصر پویا است که از یک سو بیانگر تداوم و استمرار است و از سوی دیگر در معرفی فرایند باز تولید و باز تعریف است.

- هویت چند گانه است یعنی افراد و گروه ها الزاما به

۳- هویت باردار احساس و ارزش است که با رفتار عقلانی تباین پیدا می کند چرا که رفتار عقلانی

فرا مدرن معنای هویت را زیر سؤال می برد اما همچنان قائل به معنای هویت است. فرا مدرن به کثرت در هویت معتقد است و به هویت ثابت اعتقاد ندارد. بر این اساس، هویت جهان شمول و ثابت نداریم بلکه با هویت ها مواجه هستیم. اگر هویت های مختلف شکل می گیرد اساسا نمی توان درباره چیزی به نام هویت بحث کرد.

در این دوره زندگی اجتماعی گردش و شتاب بیشتری می گیرد و گستره ای از هویت های گوناگون پیش روی انسان قرار می گیرد و انسان در فرصت های کوتاه نقش های مختلفی را ایفا می کند. همین واقعیت برخوردار از یک هویت یکپارچه را دشوار و حتی ناممکن کرده است. در این تفکر انسان ها بر یکدیگر تأثیر می گذارند و از هم تأثیر می پذیرند و هیچ چیز از پیش تعیین شده در نزد آن ها نیست و هر گونه اصالت ذاتی از هویت مردود و هر تلاشی برای تعریف انحصاری هویت بی معنا است.

هویت به فرد تنها تعلق ندارد و همین طور هویت جمعی تنها و یگانه وجود ندارد. اگر فرد تنها هویت نداشته باشد و هویت او در جمع و در تفاوت گذاری ها و بروز اختلافات ساخته شود، در آن صورت سخن گفتن از هویت فطری، ذاتی و اصیل، معنا دار نخواهد بود.

داریوش شایگان در کتاب «افسون زندگی جدید» می نویسد: ما خواه ناخواه در شرف تکوین انسان چهل تکه هستیم که دیگر به یک هویت خاص و ویژه تعلق ندارد و چند هویتی است. به عبارت دیگر معادلات دو قطبی پیشین که در زمانی فرهنگی را مشخص و از هم جدا می کرد مانند ما و دیگران، خودی و غیر خودی، شرق و غرب، شمال و جنوب، عمیقاً رنگ باخته است زیرا این ها و همه در ترکیبات گوناگون در نسبت های متغیر در منظومه هایی که هر دم فرو می پاشند و دوباره شکل می گیرند از میان می روند و دوباره ظاهر می شوند.



هویت

شخص دیگری که در زمینه هویت محیطی صاحب نظر است و التر بور است. از نظر وی، هویت همان تفاوت های کوچک و بزرگی است که باعث بازشناخت یک مکان و خوانایی محیط می شود و حس دل بستگی و حساسیت محیط را بوجود می آورد. خاص بودن هر محیط به معنی اجتناب از یکنواختی، وجود تنوع و جذابیت است و در نحوه قرار گیری فضاها و طرز دسترسی به فضاها و در کاربری ها نیز می باید وجود داشته باشد. ولف معتقد است که هویت محیط نتیجه کنش متقابل سه مورد است که عبارت اند از:

- ۱- ترکیب ظاهر و کالبدی نماها.
- ۲- عملکردها و فعالیت های قابل مشاهده.
- ۳- مفاهیم در محیط.

کال بر اهمیت تفاوت هر محیط با سایر محیط ها تأکید دارد. او هویت را توجه به شخصیت فردی هر محیط و پرهیز از یکنواختی و تشابه محیط های شهری از طریق به جلوه در آوردن ویژگی های خاص هر محیط تعریف می کند. در واقع معماری به خودی خود پدیده ای است که از صراحت در تعریف و تجزیه و تحلیل می گریزد و در دنیای پیچیده امروز این مقوله هویتی بس پیچیده تر و مبهم تر از گذشته یافته است.

نسبت معماری با هویت چیست؟

و آیا می توان معماری با هویت خلق کرد؟ برای پاسخ به این پرسش از دو دیدگاه می توان به معماری نگاه کرد. نگاه اول نگاه عام است که معماری را به معنای ساختن، تحدید فضا، ایجاد سرپناه و تعاریفی از این دست در نظر می گیرد که جایی برای بحث هویت در معماری باقی نمی گذارد. برای باز کردن بحث هویت در معماری باید از دیدگاه دیگری به مسئله نگاه کرد و بحث چیستی و کیستی معماری را از آن نقطه نظر مطرح کرد.

اگر به معماری به عنوان یک اثر هنری نگاه کنیم و انسان را خالق اثر هنری در نظر بگیریم از آن جهت که انسان مدعی است که می تواند حقیقت هستی را کشف کند و آن را در اثر هنری متجلی سازد و به بیان آورد و اثر هنری حاصل فهم انسان و تجلی حقیقت کشف شده از سوی اوست، می توان به بحث هویت در معماری پرداخت.

معمولا هویت یک اثر معماری را با میزان ایده ها و اثرات برگرفته از ویژگی های فرهنگی موجود در آن اثر می سنجند.

معماری هنگامی که وارد مبحث هویت معماری می شویم سؤالاتی چنین مطرح می شود که عناصر سازنده هویت محیطی و مکانی چه هستند؟ آیا معماری هویت پذیر است؟ نکات ابهام انگیز در هویت معماری چه هستند؟ آیا معماری دارای هویتی ثابت است؟ و.. اکثر مردم حضور در یک فضای خاص را تجربه کرده اند، آن را ارج می نهند و از فقدان آن متأثر می شوند. حس کردن جهان لذتی خاص دارد.

مکان های معنی دار و قابل درک تکیه گاه مناسبی هستند که خاطرات شخصی، احساس ها و ارزش ها بر آن تکیه می کنند. هویت مکانی پیوند نزدیکی پیدا می کند با هویت شخصی. اینکه «من اینجا هستم» حکایت از «من هستم» می کند. در رابطه با مسئله هویت محیطی، صاحب نظران مختلف عقاید خود را بیان داشته اند و مؤلفه های مختلفی برای این مفهوم در نظر گرفته اند. به طور مثال، لینچ برای هویت دو کارکرد مهم در نظر می گیرد:

اول کارکردی که می توان آن را حس تشخیص نامید. به عبارتی هویت به انسان قدرت تشخیص می دهد و به وی کمک می کند که بتواند محیط را بخواند و پیش بینی کند. اگر محیط فاقد هویت یعنی حس تشخیص و تمایز باشد محیط قابل خواندن نیست.

کارکرد دوم لینچ برای هویت محیط، عملکرد عاطفی هویت محیط است. از نظر راپاپورت، هویت قابلیت تمیز و تشخیص عنصری از عنصر دیگر است. او هویت را خصوصیتی از محیط می داند که در شرایط مختلف تغییر نمی کند. این خصوصیات می تواند خصوصیات فیزیکی محیط نظیر شکل، ابعاد، تزیینات، سبک ساختمانی و ... باشد، یا فعالیت های خاص جاری در محیط و یا عملکردهای یک محیط. الکساندر یکی دیگر از اندیشمندان است که در زمینه هویت محیطی به اظهار نظر پرداخته است.

به عقیده وی هویت در محیط هنگامی تجلی می کند که ارتباط طبیعی و منطقی بین فرد و محیط حاصل شده باشد. وی معتقد است که بین فرد و محیط زندگی اش ارتباط و احساس تعلق خاطر به وجود نخواهد آمد مگر آنکه قادر به شناخت عمیق و تشخیص آن باشد و توان درک تمایز آن نسبت به محیط های دیگر را نیز داشته باشد، و بداند در چه زمانی و به چه صورت پاسخ مناسبی به کنش های انجام یافته در آن محیط بدهد.



این روش با آنکه از یک صحت نسبی برخوردار است اما در جاهایی ناکافی و گمراه کننده نیز می شود. هرگاه برای بررسی هویت آثار معماری در کنار توقع در برداشتن میراث محیطی فرهنگی، موضوع کارکرد آن ها را نیز مد نظر قرار دهیم، بهتر خواهیم توانست به ارزیابی مسئله بپردازیم و آنگاه می توانیم حتی آثاری را با هویت بیابیم که مستقل از میراث محیطی و فرهنگی مکان آن آثار باشد.

از این رو عوامل دیگری نیز باید در تکوین هویت معماری مداخله داشته باشد تا فقدان چنان مهمی نتواند مهر بی هویتی بر موجودیت اثر معماری زند. این عوامل همان هایی هستند که تمام آثار والای معماری چه آن ها که از پیشینیان بر جای مانده و چه آن ها که معاصرند و چه آن هایی که با گذشته پیوند دارند و چه آن هایی که فن آوری را همچون نمودی از دنیای امروز و فردا ارائه می کنند به یک اندازه از آن ها برخوردارند و عبارت اند از: زیبایی، دانش، اصالت طرح، جوهر طرح. زمان نیز مؤلفه بسیار اساسی اما خارج از کنترل انسان است و هر یک از عوامل فوق خود مقروض زمان هستند.

از این رو اگر در جست وجوی هویت در معماری امروز هستیم می بایست آن را در ارتباط با زمان حاضر بسنجیم.

بحران هویت در معماری معاصر ایران

همان طور که در بخش های قبل بیان شد مسئله هویت و پرسش از آن در اثر انسداد و بحران به وجود می آید.

پس از ورود مدرنیته به ایران تقابل دو معیار سنجش سنتی و مدرن بر روی معماری تأثیر گذاشت و جواب های متفاوت این دو دیدگاه در مورد چیستی و کیستی معماری بحران هویتی را در ایران و سرزمین های مشابه آن ایجاد کرد.

از دوره صفوی در پی توسعه صنعتی و اجتماعی اروپا رابطه ای یک سویه بین ایران و اروپا پدید آمد و اقتباس و الگوبرداری از بعضی مظاهر آن توسط ایرانیان آغاز شد که در این دوره بیشتر بر هنرهای انتزاعی مانند نقاشی و نگارگری تأثیر گذاشت.

در واقع پیش از ورود مدرنیته به ایران، ایرانیان دغدغه این را نداشتند که چه چیز را از کجا بگیرند، برای آنکه ذهن و فکری مولد داشتند. اگر چیزی را از کسی می گرفتند به سرعت مطابق نیازها و اعتقادات خویش آن را چنان دگرگون می کردند و به آن هویت می بخشیدند که آن اثر دقیقاً به حوزه تمدن ایران تعلق می گرفت که نمونه آن را می توان در معماری هخامنشی و ساسانی و حتی بعضی از آثار معماری دوره قاجار مشاهده کرد. معمار سنتی نوآوری را در تکمیل تدریجی به دست آورد. معمار سنتی به اندازه توان خود ارزشی را بر ارزش های معماری می افزاید و ادعای خلق الساعه ندارد. انسان مدرن نوآوری را در دگرگون کردن پدیده ها و جایگزین کردن جدید به جای موجود به کار می گیرد. معماری مدرن معماری عصیان و بدعت است و به معنای عام محصول تکرار اصول و قراردادهای عصر جدید است که هر از گاهی تحت تأثیر مؤلفه های متغیر و پویای روزگار مدرن شکلی نو و تازه به خود می گیرد و ساخت جدیدی را طلب می کند. معماری مدرن معماری هویت های پویا و گذرای عصر جدید است. این هویت های پویا و گذرا در سایر هنرها و ادبیات نیز آثاری به جا می گذارند، ولی تنها در معماری است که به علت ماندگاری اثر و همنشینی بناها اختلاط هویت ها و به تعبیری دیگر بی هویتی معماری به چشم می آید. در واقع معماری مدرن مانند کودکی که می خواهد همه امکانات جسمی خود را بیازماید گاه پاهای خود را با سرعت غریبی تکان می دهد یا صدای خود را به صورت غیر قابل تحملی بالا می برد، تعادل کلاسیک جنبه های مختلف معماری را کنار گذاشته و هر بار به یک شاخه تخصصی با یک مسئله خاص توجه اغراق آمیز کرده است. ما از دور شاهد ماجرا بودیم و متوجه نشدیم چنین رفتارهایی برای یک کودک مرحله شناخت محسوب می شود ولی برای ما جنبه تقلیدی دارد. برای نفوذ و گسترش معماری ناشی از تفکر مدرنیسم در ایران و به عبارت بهتر برای نفوذ و گسترش و تقلید و تکرار معماری بیگانه (غربی) در ایران می توان دوره قاجار را به عنوان مبدأ زمانی ذکر کرد. رواج معماری بیگانه در ایران که از دوره قاجار آغاز شده بود پذیرش عالمانه و آگاهانه و نقادانه نبود بلکه این پذیرش ناشی از خودباختگی سران کشور در برابر بیگانه بود که به فرنگ سفر کرده و مسحور توسعه صنعتی آنها شده و به نحوی دچار از خود بیگانگی و بحران هویت شده بودند.



گذشتگان ما دارای نوعی معماری بودند که معمار حول آن به کار و خلاقیت می پرداخت. در آن زمان، اصالت به معماری بود نه به معمار و به عبارتی، معماری داشتیم نه معماری ها، بنابراین، تمایزی ایجاد نمی شد که هویتی خلق شود چرا که هویت زاده تمایزهاست. زمانی که غرب گفت «من فکر می کنم پس هستیم»، معماری حول محور معمار خلق شد و معماری ها جایگزین معماری شدند. از این به بعد روی معماری اسم گذاشتند و گفتند معماری پست مدرن، معماری های تک، معماری دیکانستراکشن، معماری زاها هدید، معماری فرانک گری یا حتی معماری های فیلیپ جانسون و.... ما این معماری ها را از دور دیدیم و آنچه را که دیدیم آموزش دادیم بدون آنکه آموخته باشیم، و شروع به ساختن کردیم و شبه معماری هایی ساختیم حول محور آن معماری های معمار مدار غرب، در حالی که همچنان به هویت اعتقاد داشتیم، نه به هویت ها و به نوعی هویت گذشته خود را اصیل می دانستیم نه هویت های معاصر را. از این رو برای این که به ظاهر به هویت های ایجاد شده اصالت ببخشیم شروع به ترکیب کردیم و عناصری شبیه به عناصر هویتی گذشته مان را با عناصری شبیه به عناصر هویتی معاصر غرب تلفیق کردیم و آن را معماری معاصر ایرانی نام نهادیم که این امر نه زاده معماری بلکه زاده فرهنگ معاصرمان بود، چرا که فرهنگ ما فرهنگی تلفیقی و هویت فرهنگی مان به هویتی دکوراتیو تبدیل شده است. واقعیت آن است که هویت و هویتمندی به احراز هویت و اساسا برخورداری محیط زندگی از این ظرفیت، ارتباطی چندان با تصویر گذشته پدیده به عنوان مبنای هویت مکانی ندارد. هیچ تاریخی تکرار پذیر نیست.

لذا در پی احراز هویتی برای خویش بودند که توسط آن خود را عقب مانده قافله پیشرفت و تمدن ندانند. و در این راه از دست زدن به هیچ کاری که آن ها را به الگوها و ایده های غربی شان شبیه تر می کرد اجتناب نمی کردند، و چه امری راحت تر از لباس و غذا و موسیقی و معماری می توانست تقلید شود؟ اما پس از ورود مدرنیته، معماری ما بر سر یک دو راهی قرار گرفت: از یک طرف شیفته و دلباخته معماری غرب بود و از طرف دیگر شاهد مرگ و از دست رفتن معماری سنتی و گذشته پر افتخارش بود، در حالی که چیزی از خودش برای ارائه در دنیای معاصر نداشت. این چنین شد که بحران هویت و مسئله هویت ملی در ایران مطرح شد. این مسئله با توجه به نوع نگاه حکومت پهلوی اول به هویت ملی به اوج خود رسید که مصادیق آن را در معماری این دوره به وضوح می توان مشاهده کرد. روشنفکران در این دوره سعی می کردند که این امیدواری را در مردم ایجاد کنند که ما فرزندان چنین نیاکانی هستیم و باید خود را از اسارت و فقر و ظلم رهایی بخشیم. بنابراین شروع به جستجوی ریشه های انحطاط و درماندگی در خود در عمق تاریخ کردند. ایران در این زمان بود که ما به صورت دستپاچه و شتاب زده تصمیم به نوسازی گرفتیم تا بیش از این از غرب عقب نیفتیم. در واقع روان غرب زده ما در آن دوران دچار چنان حقارتی بود که یا تمام گذشته خود را نفی می کرد و یا به پیروی کامل از زندگی غرب می پرداخت و یا دچار جنون بزرگ نمایی شد و تاریخ خود را سر منشأ همه خوبی ها و پیشرفت ها دانست و تنها راه نجات را بازگشت به آن گذشته تصور می کرد، غافل از آنکه تکرار تاریخی برای ایجاد هویت امکان پذیر نیست چون با تکرار تاریخ معنای آن تکرار نمی شود و تنها صورتی سطحی از تاریخ را می توان تکرار کرد که آن هم برای ایجاد هویت کافی نیست و در جهان امروز که اصالت به تغییر و تحول است این نوع هویت بخشی مردود و غیر سازنده است. ما از لحاظ هویتی و فرهنگی دچار بلاتکلیفی و سردرگمی هستیم، شاید به این دلیل که هنوز به درک درستی از مفهوم واقعی هویت دست نیافته ایم و یا به عبارتی آن را از یاد برده ایم، چرا که پیشینیان ما به این مسئله واقف بودند و آثاری به جا گذاشته اند که هم اکنون بخشی از هویت فرهنگی ما را می سازند.

پی نوشت

- ۱- حج فروش، جلال، «هویت در شهرسازی»، دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، ص ۸-۲- رحیم زاده، محمدرضا، «مفهوم هویت»، در «مقدمه ای بر هویت معماری معاصر ایران»، ۱۳۷۹، ص ۳
- ۳- نک: فرجامی، رضا، «عوامل تأثیر گذار بر هویت شهری»، دانشگاه شیراز
- ۴- نک: قاسمی، محمد علی، «بررسی آثار چنتال موفی در باب هویت»، فصلنامه مطالعات کاربردی»
- ۵- رحیم زاده، محمدرضا، همان، ص ۲
- ۶- شایگان، داریوش، «افسون زدگی جدید»، فرزانه روز، ۱۳۸۶
- ۷- نک: حجت، عیسی، «هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز»، نشریه هنرهای زیبا»، ۲۶، ۱۳۸۴
- ۸- موثقی، رامین و آیملو، سحر، «عناصر هویت فرهنگی در شهر»، مجموعه مقالات اولین همایش شهر برتر طرح برتر، همدان، ۱۳۸۵، ص ۳
- ۹- لینچ، کوین، «سیمای شهر»، ترجمه منوچهر مزینی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱
- ۱۰- دانشپور، عبدالهادی، «بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهری»، دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، ص ۵۵
- ۱۱- اقبالی، رحمان، «گذاری در هزار توی هویت معماری»، مجله «معماری و شهرسازی»، دوره سوم ۱۲- نک: حجت، عیسی، همان
- ۱۳- همان
- ۱۴- آشوری، داریوش، «ما و مدرنیت»، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۸۴، ص ۸۴
- ۱۵- زاد رفیعی، ناصر، «فرایند اجتماعی هویت شهر»، مجله «آبادی»، ۴۸، ۱۳۸۴، ص ۱۲
- ۱۶- نک: کامل نیا، حامد، «هویت زدایی در معماری»، «آبادی»، ۴۸، ۱۳۸۴.

هگل می گوید رویدادهای تاریخی همیشه دوبار روی می دهد: بار اول به صورت تراژیک و بار دوم به صورت کمدیک. هر کوششی برای تکرار آگاهانه صورت های تاریخی گذشته جز به صورت دوم نخواهد بود، زیرا معنای آن تکرارپذیر نیست. از این رو تکرار آن جز ملغمه ای ناساز از تناقض صورت و معنا نخواهد بود.

در واقع بازگشت به گذشته به این معنا نیست که بیاییم و از ابزارهایی استفاده کنیم که نیاکان ما برای زندگی از آنها استفاده می کردند، چون با دیگر شدن زندگی مان دیگر نه آن ابزارها را داریم و نه توان استفاده از آن ها و اگر چنین کنیم دچار تضادی می شویم که بعضا به آن دچاریم.

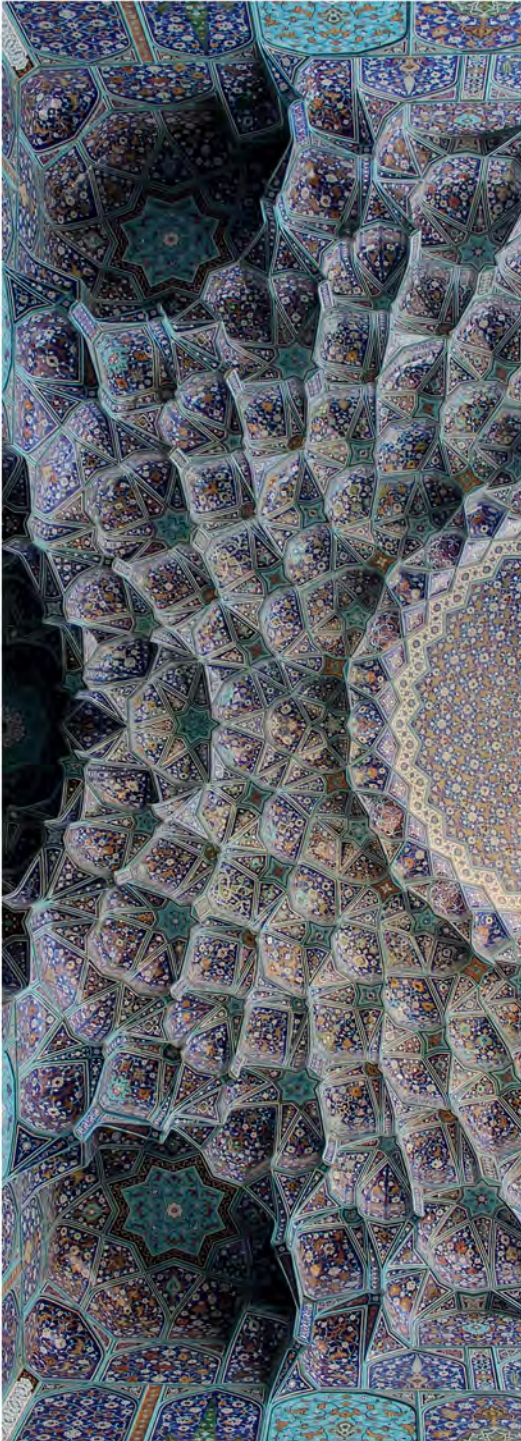
از یک سو بنا به ارزش های امروزی می خواهیم یکسره پیشرفت و تکامل و ترقی باشیم و از سوی دیگر به محافظه کاری و حتی ارتجاع دچار می شویم. "هویت بیش از آن که معطوف به گذشته است با توقعات افراد مرتبط است، زمان حال را در بر می گیرد و تقاضا برای بهره مندی از آن، ریشه در نیازهای فردی و جمعی شهروندان در محیط شهر دارد. اصولاً ارزش یک معماری در هر دوره به این است که آن بنا بتواند پاسخگوی واقعی نیازهای زمان خود باشد.

حال اگر قرار باشد ما در کنار یک اثر تاریخی بنایی احداث کنیم آیا برای احترام و ارزش گذاری و حفظ هویت آن بنا می بایست ساختمان جدید مطابق همان معیارها به لحاظ فرم، شکل و حتی استفاده از همان مصالح ساخته شود؟ در این صورت یادمان های دوره ما برای آیندگان چه خواهد بود؟ معماری و زندگی آیینه تمام نمای یکدیگرند.

اگر امروز صحبت از تقلید در معماری می کنیم به یقین در زندگی ما وجود دارد. اگر صحبت از فریب می کنیم تجلی آن در زندگی اجتماعی ما مشهود است و اگر از سرگشتگی در معماری شکوه می کنیم مگردر زندگی دچار آن نیستیم؟ معماری دروغ نمی گوید و انعکاس آرزوهای جامعه و به خصوص صاحبان خود است. این هویتی است که به وجود آمده؛ خواه زشت باشد خواه زیبا، خوب باشد یا بد.

منابع

- آشوری، داریوش، «ما و مدرنیت»، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۸۴ حج فروش، جلال، «هویت در شهرسازی»، دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، ۱۳۸۰
- حجت، عیسی، «هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز»، نشریه «هنرهای زیبا»، ۲۶، ۱۳۸۴
- دانشپور، عبدالهادی، «بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهری»، دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، ۱۳۸۰
- رحیم زاده، محمدرضا، «مفهوم هویت» در «مقدمه ای بر هویت معماری معاصر ایران»، ۱۳۷۹
- زاد رفیعی، ناصر، «فرایند اجتماعی هویت شهر»، مجله «آبادی»، ۴۸، ۱۳۸۴ دکتر شیخاوندی، داور، «ناسیونالیسم و هویت ایرانی»، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۰
- فرجامی، رضا، «عوامل تأثیر گذار بر هویت شهری»، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۲
- قاسمی، محمد علی، «بررسی آثار چنتال موفی در باب هویت»، فصلنامه «مطالعات کاربردی»
- کامل نیا، حامد، «هویت زدایی در معماری»، «آبادی»، ۴۸، ۱۳۸۴
- لینچ، کوین، «سیمای شهر»، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱
- موتقی، رامین و آیمرلو، سحر، «عناصر هویت فرهنگی در شهر»، مجموعه مقالات اولین همایش شهر برتر طرح برتر، همدان، ۱۳۸۵
- معین، محمد، فرهنگ فارسی





نشست هم اندیشی پیرامون معماری و هنر اعتبار مقدسه
در دوران معاصر

فصلنامه

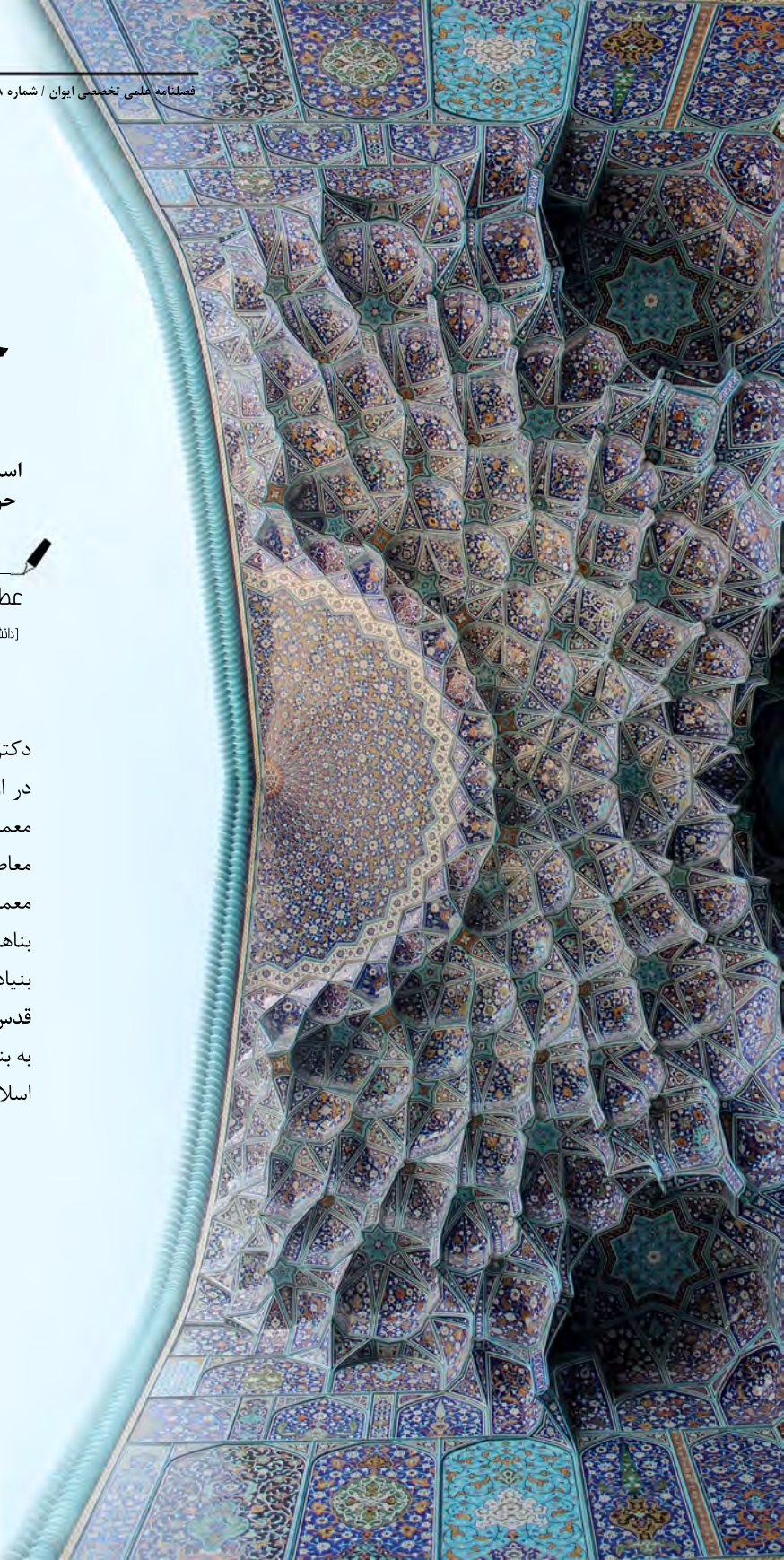
فلسفه و حکمت

اسلامی (اصولی فرازمانی در
حوزه معماری اسلامی)

عطاالله بفشایشی

[[دانشجوی کارشناسی ارشد معماری اسلامی، دانشگاه امام رضا (ع)]]

دکتر عبدالحمید نقره‌کار طی سخنانی در اولین نشست هم‌اندیشی پیرامون معماری و هنر اعتبار مقدسه در دوران معاصر که باحضور ۵۸ تن از اساتید معماری و استادکاران سنتی در عرصه بناهای سنتی در تالار شیخ طبرسی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی برگزار شد بر لزوم توجه به بنیان‌های حکمی و فلسفی معماری اسلامی تأکید کردند.



این استاد برجسته تبیین کردند حوزه کمی باید مقیاس های کلان مانند شهرسازی اسلامی تا مقیاس کوچک تر مانند آرایه های اسلامی را در بر گیرد و در حوزه کیفی باید توجه ویژه ای به حکمت اسلامی و فلسفه اسلامی داشت چرا که معماری اسلامی اینچنین درخشان در طول تاریخ، محصول توجه به چنین فلسفه و حکمتی است.

ایشان همچنین بر ضرورت شناخت و طبقه بندی آکادمیک سبک های معماری اسلامی تاکید داشته و افزودند تا زمانی که درک درستی از آنچه گذشتگان در این حوزه انجام داده اند نداشته باشیم، نمیتوانیم به صورت صحیح و رو به جلو حرکتی را شکل دهیم. وی راه حل های اجرایی را نیز در پنج شاخه: «هندسه، آرایه ها، نمادها، تکنولوژی ساخت و تعامل با دست آورد های علوم تجربی» شاخه بندی کرد و در انتها افزود که معماری اسلامی به معنای پشت کردن به تکنولوژی یا دست آورد های علوم تجربی نیست. این راهکار ها نمی تواند و نباید عواملی مانند سرعت ساخت، استحکام، اقتصاد و ... را نفی کند، بلکه حکمت و مبانی اسلامی معماری اصولی فرا زمانی را به ما عرضه میکند که با استخراج راهکارهای عملی و مصداقی توسط تیم های خبره دانشگاهی می توان راهکارهای جدیدی به منظور تعامل با دنیای امروز معماری عرضه کرد.



دکتر عبدالحمید نقره کار از اساتید برجسته دانشگاه علم و صنعت تهران و یکی از صاحب نظران به نام حوزه معماری اسلامی با تقدیر و تمجید از تلاش های صورت گرفته به منظور توسعه حرم مطهر رضوی در سال های اخیر تاکید کردند که به منظور رقم زدن آینده ای بهتر در حوزه معماری اسلامی، ابتدا باید از آسیب شناسی وضع موجود آغاز کرد. ایشان تاکید داشتند ضمن تحقق این هدف ضروریست با تشکیل کارگروه های تخصصی و با مشارکت دانشگاه، اطلاعات و مطالعات صورت گرفته در دو شاخه اصلی کمی و کیفی کلاسه و طبقه بندی شوند.



گزارش

مصامبه با دکتر محسن وفامهر
با موضوع
فناوری به گستره تعالی معمارانه



زمانی که تکنولوژی می‌خواهد ظهور یابد به ابزار متکی می‌شود و قدم به قدم پیچیده‌تر می‌گردد. انسان از آغاز با ادبیات تکنولوژی آشنا بوده است و ظرافت نکته در اینجاست که وقتی حضرت حق انسان را آفرید خطاب به خود فرمود: «فتبارک‌الله احسن‌الخالقین». بعد از آفرینش هیچ موجودی به خود آفرین نگفت اما بعد از خلقت انسان به عنوان خلیفه‌اش روی زمین، به خود تبریک گفت. این قدرت تفکر انسان است که می‌تواند اساس تکنولوژی را طرح کند.

به گستره فناوری، تعالی معمارانه

بهرام هوشیار (یوسفی)

[گزارشگر پایگاه اطلاع رسانی معماری شهرسازی آرونا]

دکتر محسن وفامهر از معدود اعضای هیات علمی دانشگاهی در وادی معماری کشور است که رتبه استادی دارد. حضور موثر در حوزه آموزش، پژوهش، مدیریت و ساخت در کنار نگارش کتب متعدد در عرصه‌های مرتبط از وی شخصیتی چندبعدی ساخته است. وقتی به موارد فوق رویکرد ارزش مدار وی را در مقام ایرانی/ اسلامی اضافه کنیم و نگاه معنادرایانه اش را تا عمقی مشتمل بر حتی وادی فناوری مورد مذاقه قرار دهیم، فی نفسه پژوهشگری منحصر به فرد را به دست میدهد که نظریاتش در خور بازاندیشی و بازتولید است. با توجه به سوابق پژوهشی شما و علی‌الخصوص در یکی از مقاله‌هایتان به موضوع ارتباط انسان با تکنولوژی پرداخته‌اید آیا این معنا می‌تواند جنبه‌های هویتی خود را در قالب متغیرهای روشن و ساده در معماری ما نشان دهد؟ در واقع می‌خواهم بدانم ارتباط مخاطب و تکنولوژی می‌تواند موضوع هویت معماری هم باشد؟ انسان اشرف مخلوقات و نماینده خداوند در زمین است. انسان از همان روزی که پا بر کره خاکی گذاشت جسم و روحش با تکنولوژی عجین شد، سعی کرد برای حل مشکلات روزانه‌اش ابداعاتی داشته باشد. تکنولوژی ابتدایی در طول قرن‌ها به تکنولوژی پیچیده تبدیل شد. در واقع تکنولوژی از فکر شروع می‌شود؛ تحرک فکر و ایده‌پردازی، کمال تکنولوژی است. تکنولوژی به لحاظ خاستگاه، ابتدا در ساحت فکر است.





با نگاه انسان‌شناسانه شما به مقوله فناوری، آیا می‌توان نتیجه گرفت تکنولوژی می‌تواند مفهوم هویتی داشته باشد؟ یعنی به تکنولوژی معنا دهیم به این دلیل که خودش می‌تواند برای خود مبانی هویت‌ساز داشته باشد.

بله. انسان با علایق، دریافته‌ها و باورهایش زندگی می‌کند و این‌ها هستند که شخصیت او را می‌سازند. و این طبیعت است که نقش تربیت‌کننده در انسان دارد، نقشی که در هر موجودی با سایر موجودها متفاوت است؛ اما نقطه اشتراک همگان، انکشاف حقیقت است. کشف حقیقتی که در هاله‌هایی پیچیده شده است. خلاقیت در انکشاف است. انسان مسئول است که از آن رمزگشایی کند.

آن نوع از تکنولوژی که در معماری به‌کار می‌رود چه تأثیر متقابلی بر انسان و فرهنگ او دارد؟

معماری انسان را می‌سازد و انسان معماری را. این دو، اثر متقابل بر هم دارند. معماری یک دانش میان‌رشته‌ای است. از ادبیات، هنر، موسیقی، شعر، تاریخ، فرهنگ و هزاران فاکتور دیگر استفاده می‌کند تا ظرفی بسازد که مظلوفش انسان است. اگر کامل و وافی نباشد و نتواند در افق‌های دوردست، نیروی خلاقیت انسان را در خود پیرواند محکوم به شکست خواهد شد. وقتی انسانی در گوشه‌ای نشسته است درواقع جهانی در گوشه‌ای آرام گرفته است. چون این انسان است که می‌تواند جهانی را در خودش تصور و خلق نماید. پس چگونه ممکن است جهانی را در یک ظرف محدود و ناقص جای دهیم و نامش را معماری بگذاریم. معماری متعالی باید روح این جهان را در خود تسخیر کند. درواقع وظیفه اصلی هنر معماری ساختن ظرفی است که قابلیت انسان را داشته باشد تا مظلوفش باشد.

معمار با استعانت از تاریخ و تمدن جامعه‌اش اثر معماری را خلق می‌کند تا برای اشرف مخلوقات ظرفی بسازد. پس معمار مسئولیت خطیری دارد. فقط با دانش آکادمیک نمی‌تواند دست به قلم ببرد. هنر در تمام ابعادش می‌تواند ظرفی را متجلی کند که انسان متعالی در آن جای بگیرد. معماری از تمام هنرها بهره می‌برد تا خصیصه ذاتی انسان را به منصه ظهور درآورد.

مقدمه‌های درباره آنچه باید در معماری اتفاق بیفتد فرمودید. حال اگر بخواهیم این ایده‌آل‌ها را عینی کنیم، می‌خواهیم بدانم روند تکامل معماری ایران در زمینه‌های فرهنگی آن چگونه است و ما در حال حاضر در پروسه خلق یک اثر متعالی در مجموعه شورای معماری در چه وضعیتی قرار داریم؟

فقط چنین معماری می‌تواند ساختمانی با این ظرافت بسازد که تکان یکی باعث حرکت دومی می‌شود. او بر دانش نیروهای داینامیک مسلط بوده است. من در نوشته‌ای طی ۱۰ استدلال، طراحی و اجرای این بنا را تحلیل کرده‌ام. این تاریخ معماری فرهیخته ایرانی در سازه‌های آبی، خاکی و سنگی است. همه این‌ها با توجه به موقعیت زمانی و مکانی دوره خود اتفاق افتاده‌اند و بعد از هزاران سال هنوز تداوم دارند. اما آنچه که شما درباره معماری ایران زمین در عصر حاضر می‌پرسید پاسخش این است که علیرغم تسلط معمار بر دانش معماری، این هنر در افول است. به این دلیل راضی کننده نیست که از علوم زیبایی شناختی، معرفت شناختی، انسان شناسی، فن ساخت و چندین علم و هنر دیگر جدا شده است و فقط به زیبایی‌های بصری بسنده کرده است. از علم محاسبات جدا شده. جایی که بحث اسراف و تبذیر جایگاه ویژه‌ای داشتند. البته امروز هم در ایران زمین معماران فرهیخته و به‌نامی هستند که اثرات زیبا و ماندگار خلق می‌کنند اما کارشان خیلی جامع و مانع نیست.

انسان همیشه در مسیر پیشرفت است. بشر نقطه آغاز و پایانی دارد که پایانش هم یک برانگیختن دوباره است. انسان ایرانی فرهنگ و تمدنی دارد که می‌تواند ابعاد متعالی وجودش را بروز دهد. معمار مسجد شیخ لطف‌الله با همین ابزار انسانی توانسته است مسیر دسترسی نور را از پشت قبله طراحی کند و با ظرافت‌های هنری‌اش طاووسی را در زیر گنبد نقش بزند که جهت قبله را به نمازگزار نشان دهد. سی و سه پل یک اثر هنری - محاسباتی است که مهندسی هیدرولوژی آن بسیار پیچیده است. معمار آن دوره به اثر هنری‌اش تسلط کامل داشته است. هم با محاسبات آشنا بوده هم با آب و خاک و اقلیم. پلی را ساخته است که نه تنها پیادگان و سواران از آن می‌گذرند بلکه به صورت خودکار عملیات محاسباتی تقسیم آب بین کشاورزان را صورت می‌دهد. چه مساجد و بناهایی داریم که بیش از هزار سال از ساخت آنها می‌گذرد اما با وجود اینکه فقط از خشت و آجر ساخته شده‌اند سالم مانده‌اند؛ و این در حالی است که بارها و بارها زلزله را هم تجربه کرده‌اند. معمار منار جنبان اصفهان مثال خوبی برای شخصیت جامع معمار آن دوره است. معماری که علاوه بر تسلط بر امور محاسباتی، معرفت شناسی، انسان‌شناسی، آگاه بر رموز و زیبایی‌شناختی است.



اما هنر اصیل از سرچشمه‌های پاک درونی سرچشمه می‌گیرد. اگر امروز معمار ما این‌گونه نیست به این خاطر است که سطح آموزش‌ها در حدی بوده است که صورت مسأله را بشناسیم نه سیرت مسأله را. معمار سنتی به سیرت فکر می‌کرده که صورت آن سیرت در یک مسیر طبیعی خلق شده است. امروز راه را به صورت معکوس می‌رویم. ابتدا به نما و حجم ساختمان می‌پردازیم و بعد در پلان هرچه امکان داشت می‌آوریم. معمار سنتی هیچ کار عبثی نکرده است. مصالح را درست و به‌صرفه استفاده کرده است و هر چیزی را در جای عقلائی‌اش قرار داده است. متأسفانه در معماری امروز فرهنگ اسراف و تبذیر دیگر زشت نیست و به‌راحتی طرحی از آن سوی مرزها در ایران تقلید می‌شود. نمی‌دانم چرا دیگر آن مجد و عظمت معماری ایرانی دیگر فروغی ندارد. معماران امروز آن دانش دینامیک و پویا را ندارند. مبدع و خلاق نیستند. مشتئی آپارتمان می‌سازیم که همه‌اش بدون توجه به معنا و اقلیم بنا، تقلید شده‌اند. معماری امروز آن معماری نیست که قابلیت شخصیت عرفانی انسان را داشته باشد. فقط انباشت مصالح بر اساس تکنیک‌های بی‌روح است. هر مصالحی که جذابیت‌های ظاهری بیشتری داشته باشد و برقش چشم‌ها را خیره کند، بهترین به‌شمار می‌آید. درحالی‌که در گذشته معماری در خاک متجلی می‌شد یعنی از همان چیزی روح می‌گرفت که انسان از آن آفریده شده است. خشت خام نماد انسان خام بود و بعد از تجربه آتش کوره به آجر تبدیل می‌شد. به آجر می‌گفتند انسان پخته و کامل. مفاهیم عمیق بودند و معماران بابصیرت. ولی امروز واحدهای درسی به جای اینکه در عرض هم قرار بگیرند و همپوشانی داشته باشند زنجیره‌وار در طول همدند. شرایط طوری است که معماران کمی بنا بر ذوق خودشان می‌توانند تعالی یابند. اگر هر دانشکده معماری بتواند سالی یک معمار فارغ‌التحصیل داشته باشد. باز هم برد کرده است. بقیه فارغ‌التحصیل معمار هستند. خداوند تک معمار هستی است که هنر را در کتاب آسمانیش به صورت کامل شرح می‌دهد. معمار ما تا چه اندازه با فرهنگ قرآنی و فرهنگ و تمدن آشناس؟

ماموریت معمار بر روی زمین خلق اثری است که با دیگر زیبایی‌های طبیعت مانند گل، پرندگان، رود و غیره همخوانی داشته باشد نه اینکه در کنار آنها قرار بگیرد اما در مسیر افول باشد. اگر بخواهیم برای تعالی معماری از روش توصیه‌ای بهره ببریم با موضوع تلقین مفهوم و عواقب آن چه کنیم. آیا برای ارتقای معماری می‌توان به روش دستوری عمل کرد؟ ثاباً چگونه می‌توان در مقابل آفت تقلید مقاومت کرد تا مفهوم تعالی معماری در قالب‌های توصیه‌ای تقلیل نیابد؟ و اگر بخواهیم یک نتیجه متفاوت بگیریم روند انتقال مفاهیم از گذشته به حال را چگونه می‌توان در یک سیستم نظارتی انجام داد؟ هیچ بخش‌نامه و قانونی نمی‌تواند سطح کار هنری معمار را ارتقا دهد. بلکه آموزش از ارکان تعالی هنر اوست. اگر در روش‌های آموزش معماری تجدیدنظر داشته باشیم این امر مهم اتفاق خواهد افتاد. معماران در گذشته خودشناس بودند. از معمارانی سخن می‌گوییم که آثاری با قدمت هزارسال به‌جا گذاشته‌اند. بهتر است ببینیم روش تربیتی آنها چگونه بوده است. آموزش سینه به سینه در هر صنفی قابلیت و اهلیت می‌خواسته است. وقتی جوانی شاگرد معمار فرهیخته‌ای می‌شد این‌گونه نبود که همه هنر را یکجا بیاموزد. بدون شک قابلیت‌های ذاتی، اخلاقی، روحی و روانی یک انگیزه فوق‌العاده برایش خلق می‌کرده است. می‌توانیم بگوییم یک گزینش مطلوب صورت می‌گرفت نه اتفاقی. شاگردی که برای هنر معماری انتخاب می‌شد در طول چندسال تمام ابعاد هنری و انسانی معماری را فرا می‌گرفت. آنقدر روابط استاد و شاگردی عجین بود که گاهی شاگرد داماد استاد می‌شد. شاگرد تشنه هنری بود که در اوج کمال قرار داشت. وقتی به کار استاد نگاه می‌کرد با تمام ذرات وجودش هنر استادش را اقتباس می‌نمود. تفکر، حرکات، گفتار، ایده و درکل همه وجودش یکی می‌شد و مجذوب استادش می‌گردید. درنتیجه از کار استاد الهام می‌گرفت و بعد از چند دهه و گاهی بیشتر تازه می‌شد استاد. درحال حاضر دانشجوی معماری ما بعد از گذراندن یک دوره ۵ - ۶ ساله که هم ابتر است و هم محدود چگونه می‌تواند هنرش را به تعالی برساند. دانشجو فقط به دنبال کسب مدرک است نه مطلب! انتقال هنر معماری با کلمات کار بسیار پیچیده‌ای است. سرچشمه‌اش عشقی است که از درون می‌جوشد تا رمز و راز معماری را درک کند. خطوطی که معمار روی کاغذ می‌کشد می‌تواند تقلید و اقتباس باشد.

تقصیر دانشجوی معماری ما چیست که اجازه دادیم همه این فرهنگ‌های متعالی را از ما بگیرند! اساتید فرهیخته کم هستند و فرصت کافی ندارند تا با دانشجویان خود در تقابل سازنده باشند. به نظر می‌آید موضوع اخلاق دغدغه شماست. آیا لازم است چیزی به نام اخلاق در معماری تعریف کنیم که هدایت‌گر معمار باشد. ما درباره معمار مسلمان صحبت می‌کنیم که در فرهنگ ایرانی زندگی می‌کند و در قلب اسلام رشد کرده است. او سابقه‌های روشن دارد. مکتبش اسلام، کتابش قرآن، زبانش پارسی و فرهنگ و تمدنش ایرانی است. اگر در این چهارچوب نگاه کنیم می‌بینیم کسی که می‌خواهد معمار شود باید اهلیت آن را داشته باشد. و اخلاق پایه این اهلیت است. کسی که اخلاق دارد متصف به صفات الهی است. اما با کسی که اخلاق ندارد و مبادی آداب نیست نمی‌توان موضوع کمال انسانی را با او درمیان گذاشت. انسانی که ما تعریف می‌کنیم با تعریف غرب از انسان متفاوت است. یکی متعالی است و دیگری در زمین. انسان متعالی در مدینه فاضله جست و جو می‌شود و انسان غربی در مسیرهایی که به امکانات رفاهی بیشتر منتهی می‌شود. ادعا نمی‌کنیم زندگی راحت بد است. بلکه رفاه معقول صورتی از زندگی انسانی است. اما موضوع مهم تعالی انسان است. اگر اخلاق حرفه‌ای به عنوان دو واحد درسی ارائه شود خوب است. در این قالب می‌توان تقیداتی را آموخت که حقوق کارفرما و مخاطب را به صورت دقیق ارائه می‌کند... اولین نکته اخلاق حرفه‌ای پذیرفتن مقام شامخ انسانیت انسان است. تنها آنهایی به حال جامعه مفید هستند که ساختار و چهارچوب اخلاق اسلامی دارند. صاحب ایدئولوژی غنی اسلامی هستند و باید‌ها و نبایدها را می‌شناسند.



معماران سنتی ما معماران بزرگی بودند که در مرتبه اول خودشناس بودند، دوم خودساخته و سوم متخلق به اخلاق الهی. چنین معماری در بحث مقررات شهرسازی تقیداتی برای خود قائل است. امروز شعار اخلاقی می‌دهیم اما از چگونگی نهادینه شدن آن چیزی نمی‌دانیم. در دانشگاه به این اصل مهم، یعنی پرورش ذات معمار بی‌توجهیم. اگر بتوانیم معماری را در چارچوب اخلاق اسلامی تربیت کنیم یک فرد خودشناخته، آگاه و مسئولی خواهد بود که هنر معماری را متعالی کند. برای هر سفارشی چندین طرح می‌کشد و از میان آنها بهترین را ارائه می‌کند. درکل به اعتقاد بنده ارائه اخلاق حرفه‌ای در قالب دو واحد درسی می‌تواند راه‌گشای این رسالت بزرگ باشد. به لحاظ محتوایی بحث را پیش بردید. در ادامه، قسمتی از معماری فرم است که مخاطب در نگاه اول با آن ارتباط برقرار می‌کند. برای آن معماری که از نظر شما خودی و باهویت است فرم متعالی چیست؟ اگر چنین فرمی وجود دارد چگونه قابلیت انتقال دارد؟ طرح معماری هم مانند بقیه کارهاست. تا ساخته نشود خود را نشان نمی‌دهد. معماری ملغمه‌ای از متغیرهای بی‌شمار است که تبلور نهایی آن فرم می‌باشد. اگر از معماری فرم را بگیریم چیزی نمی‌ماند. معماری در یک فضای سه بعدی شکل می‌گیرد و این مهم‌ترین وجه تمایزش با هنر نگارگری و خطاطی است. وقتی بعد سوم (محور Z ها) دیده شود، پلان مفهوم پیدا می‌کند. درواقع تمام مطالبی که گفته شد باید در قالب‌های خاص نظری/ترسیمی پیاده شوند تا خود را نشان دهند. در حالیکه در دانشگاه‌ها اول فرم را طراحی می‌کنند بعد سراغ محتوا می‌روند. اگر رابطه دوسویه عالم انسانی و فطرت انسانی با فضاهای معماری را بشناسیم، چون رابطه دوسویه است خودبه‌خود تفسیر می‌شود. در نهایت وقتی پلان را جا انداختیم به خاطر روابط خوبی که برقرار شده است، حجم هم به بهترین صورت ظهور می‌کند. اگر این مسیر را معکوس برویم اسیر فرم می‌شویم درحالی‌که این فرم است که باید اسیر ایده‌های ناب شود. معماری متعالی مانند خلق یک گل زیباست که فریاد می‌زند خدایش احسن‌الخالقین است.

نقد

فانه ایرانی یا آپارتمان ایرانی...؟



فانه ایرانی یا آپارتمان ایرانی...؟

شادی پفشی فلیفه ممله

[دانشجوی کارشناسی معماری دانشگاه تهران]

خانه مکانی است که اولین تجربه های انسان با فضا در آن شکل می گیرد پس کیفیت و هویت فضایی که برای بسیار اهمیت دارد اما در سال های اخیر غفلت از نیاز های روحی و روانی و عدم، اولین بار تجربه می شود توجه به مسائل معنوی انسان و صرفا توجه داشتن به مسائل اقتصادی باعث شده خانه معنایی را که در گذشته داشته از دست بدهد و به جز سرپناهی برای افراد تبدیل شود. ابتدا به شرح آنچه که از ایرانی بودن فکر می کنم می پردازم.

ایرانی ... صفتی که پیش از این هم درگیرش شده بودم ولی هر بار از دفعه قبلی موضوع پیچیده تر و مبهم تر می شود. شاید منظور از ایرانی بودن را بتوان حضور عناصری در نظر گرفت که در معماری گذشته ی ایران وجود داشته مثل طاق و قوس و گنبد. و یا اگر از بحث ماده و مادی گرایی فراتر رویم و داستان را به اینجا بکشانیم که رفتارها و حس های ما در یک فضا و رویداد هایی که در آن فضا اتفاق می افتد، چیزهایی هستند که هویت آن بنا را تشکیل می دهند و در واقع به آن هویتی ایرانی یا هر هویتی دیگری می دهند. که اگر این طور باشد یعنی حتی در یک اتاق که با چهار دیوار و یک سقف از فضای بیرون جدا شده اگر رفتارهایی اتفاق بیوفتد که ما آن ها را در خانواده های ایرانی که در خانه ایرانی زندگی می کنند می بینیم پس آن اتاق یک اتاق ایرانی است!

در حالی که با آن رفتارها آن خانواده را میتوان یک خانواده ایرانی دانست، ولی لزوما باعث ایجاد خانه ایرانی نمیشود. وقتی چند بنا را که من به عنوان یک بنا ایرانی می شناسم با دقت نگاه کردم مثل چهل ستون و مسجد شیخ لطف اله و خانه های سنتی کاشان و یزد یا حتی بناهای جدید تر مثل تئاتر شهر و ... و از خود پرسیدم چرا من این ها را به عنوان یک بنای ایرانی می شناسم در حالی که بعضی از آنها حتی اگر احتمالا وقتی این ها کهنه می شوند، کمترین عنصر مشترک را دارند و اگر بخاطر عناصری مثل طاق و گنبد است شوند و بر اثر زمان دچار آسیب می شوند باید بخشی از صفت ایرانی بودن هم آسیب ببینند! که خب می دانیم که این طور نیست و همه ما به دیدن فضا هایی می رویم که جز خشتی از آن باقی نمانده در حالی که آن را ایرانی می دانیم. پس باید چیزی فراتر از این ها باشد. معمار ها خالق هستند اما کلمه خالق فقط محدود به ساختن یک پدیده نیست بلکه باید روح هم در آن دمیده شود تا آن را زنده کند و به آن معنا بخشد. ایرانی بودن در واقع همان روح بنا است که باید در آن دمیده شود تا حس و حال ایرانی بودن را داشته باشد. روحی که اکنون هیچ اثری از آن نمی بینیم و گویی که مرده باشد بعد از آن سوالی که برایم پیش آمد این است که واقعا وجود و سعی بر ساختن بنای ایرانی در این زمان لازم است؟ با توجه به این مسئله که معماری هر جامعه نشان دهنده ی هویت جامعه و این هویت نشان دهنده ی ارزش پس قطعا این مسئله بسیار مهم است اما دلیل به وجود آمدن این سوال برایم این، های حاکم بر جامعه است که با وجود شرایط اکنون که برای فهمیدن شرایط کافی است فقط از در خانه بیرون بیاییم.



خانه سنتی عامری ها کاشان

آپارتمان ایرانی شاید در نظر اول به نظرم ترکیبی سرشار از تناقض و اشتباه بود زیرا آپارتمان که یک لغت بیگانه است با ایرانی که از هر لغت ایرانی ای ایرانی تر است کنار هم نمی توانند بنشینند ولی با تامل بیشتر به این نتیجه رسیدم شاید در ظاهر خیلی ترکیب قشنگی به نظر نیاید ولی شاید بتوان به کمک آن راه حلی را برای وضعیت اکنونمان پیدا کرد . یعنی با وجود زندگی اکنون مردم و به دلیل شرایطی که پیش آمده که مهم ترین آن به نظرم افزایش جمعیت شهرها است قطعاً بازتولید خانه های قدیمی ایرانی غیر ممکن و نشدنی است پس باید شیوه ای جدید را به کار گرفت که نه به شدت اکنون که می بینیم خانه ها کوییده می شوند و برجی به جای آنها سبز می شود بلکه این چون قطعاً گریزی از آن نیست و بلکه بیشتر سعی بر برهم زدن این، ساختن در ارتفاع همچنان ادامه پیدا کند. خانه سنتی طباطبایی ها خانه سنتی عباسیان در کاشان در کاشان خانه سنتی بروجردی ها در کاشان خفگی و دل مردگی که در آپارتمان های اکنون است داشته باشیم مثلاً شاید یکی از راه حل ها وارد کردن طبیعت به فضا باشد چیزی که الان خیلی با آن فاصله داریم و می تواند بسیار تاثیر گذار باشد زیرا طبیعت یک شادی و نشاط وصف ناپذیری را به انسان می دهد چیزی که در آپارتمان های امروزی نشانی از آن را نمی بینیم مگر در تزئینات داخل ساختمان و به طور محدود با حضور گلدان هایی کوچک اما شاید بتوان حضور طبیعت را به شکل یک حیاط در نظر گرفت و برای این که این حیاط را چیزی جدای از خانه نبینیم می توانیم آن را اتاقی بدون سقف تصور کرد که جزئی از خانه است و حضورش لازم است.

به اطرافمان نگاه کنیم ساختمان های مسکونی که بسیار بلند و پراپهت هستند و با نمای کلاسیک در شهر خودنمایی می کنند کم نیستند که البته همه ی آن ها صرفاً سعی کرده اند فقط به صورت ظاهری از این نشانه های معماری کلاسیک استفاده کنند. معماری که هیچ کدام از ما در به وجود آموختن آن نقش نداریم و فقط صرفاً نمونه معماری ایرانی : چهل ستون در اصفهان نمونه معماری ایرانی : مسجد شیخ لطف اله در اصفهان نمونه معماری ایرانی : خانه سنتی در کاشان به عنوان یک استفاده کننده دائماً آن ها را تکرار و تکرار می کنیم و البته آن چه که من به شخصه در اطرافم می بینم استقبال مردم از این گونه معماری ها است که البته دلیلش را شاید بتوان نوع سبک زندگی اکنون و تجمل گرایی دانست و حتی با وجود این که هر کدام از آنها وقتی به یک خانه ی سنتی می روند از بودن در آن جا لذت می برند و دوست دارند در چنین خانه هایی با چنین حال و هوایی زندگی کنند ولی وقتی پایشان را از خانه بیرون می گذارند همه چیز را فراموش می کنند و گویی به یک آدم دیگری تبدیل شده اند . و می بینیم که مردم به سوی این گونه معماری ها تمایل و گرایش دارند . اما چاره ی کار چیست ؟ آیا باید به خواست و سلیقه و نظر مردم احترام گذاشت و صرفاً هر چه را آنها می خواهند تولید کرد حال اگر آن چیز کپی ای از بناهای دیگر غیر ایرانی باشد ؟ یا باید سعی بر عوض کردن نظر آنها و تولید و شاید کپی بناهای سنتی ایرانی داشت ؟ به نظر من هر دوی این ها به یک اندازه کار نادرست و بی راهه رفتن است .



خانه سنتی بروجردی ها کاشان

با وجود علاقه ای که به شدت به معماری گذشته ی ایران دارم ولی به نظرم شاید مشکل ما این باشد که معماری سنتی مان تمام ذهن ما را در بر گرفته و اجازه فکر کردن به چیزهای جدید که اتفاقاً هویت ایرانی دارند را نمی دهد و دائماً میخواهیم دقیقاً هر چه را که در گذشته بوده است صرفاً تکرار کنیم و من نمی گویم که فقط به خلاقیت و ابداع صرف توجه شود بلکه می گویم به حکمت وجود آنها فکر کنیم. پس شاید بهتر باشد کمی فقط تکرار آنها را کنار بگذاریم و این گونه فکر کردن را هم امتحان کنیم که هدف و حکمت به وجود آمدن آن ها چه بوده است. پس باید دوره ای جدید و سبک جدیدی در معماری به وجود بیاید که در عین حال که در ادامه و دنبال کننده پاسخ گوی نیازها و خواسته های مردم الآن و با معماری گذشته باشد و به ماهیت معماری مان توجه دارد این سبک زندگی باشد و مهم تر از همه ی این ها هویت و فرهنگ ایرانی و آن روح ایرانی درش دمیده شده باشد که البته کار بسیار دشواری است زیرا با وجود سال های زیادی که از هویت و ریشه ی خود دور افتاده ایم و حتی ماهیت آن را فراموش کرده ایم بازگشت به اصل خود دشوار است ولی غیر ممکن نیست و شدنی است .

به نظرم باید ببینیم چه چیز هایی در یک آپارتمان وجود دارد که از هویت و فرهنگ ما نشئت نگرفته است یا چه چیزهایی وجود ندارد در حالی که بخش مهمی از هویت و فرهنگ ما را تشکیل می دهد و سعی در به وجود آوردن آن ها داشته باشیم حتی ممکن است در مقیاسی بسیار کوچک باشد و به ظاهر اهمیت چندانی نداشته باشد. برای مثال میتوان به فرق حمام هایی که امروز در آپارتمان ها هست با حمام هایی که در گذشته بود اشاره کرد که الآن اصلاً فضای خشک و تری وجود ندارد یا تقلید های کور کورانه ای که اتفاق افتاده بدون این که به این مسئله توجه شود که آیا با توجه به سبک زندگی ایرانی واقعا به این ها نیاز است یا خیر مثلاً این که آشپزخانه که در گذشته از دید پنهان شده بود و حریمیت خاصی داشت ولی حالا میبینیم که روز به روز این قسمت به بخش اصلی زندگی نزدیک و نزدیک تر می شود تا جایی که اصلاً نتوان به راحتی مرزی را بین آشپزخانه و بخش های دیگر خانه مشخص کرد. یا خیلی چیز های دیگر که همه ی ما الان با آن ها زندگی می کنیم و صرفاً به وجودشان عادت کرده ایم . توجه به همین تغییرات کوچک می تواند در نهایت باعث تغییری بزرگ شود. برای معماری ایرانی صرفاً به بازتولید معماری سنتی مان فکر نکنیم بلکه به ایجاد یک هویت ایرانی فکر کنیم که حتی ممکن است معماری ای جدید باشد .



خانه سنتی طباطبائی ها کاشان

نظر سفر

گذری در کوچه پس کوچه های شهر یزد



یزد را شهر آتشکده ها نیز می نامند که خود تاریخ یکتاپرستی این مردمان است. مردم یزد اما هریک آتشی از حق در سینه خود دارند که حوادث تاریخ هرگز گزندی به آن نتوانسته است برساند.

یزد شهر قنات و قنوت و قناعت

عطاالله بفشاپیشی - سمیرا سپهری

[دانشجویان کارشناسی ارشد معماری اسلامی دانشگاه امام رضا (ع)]

اما اگر بخواهم عظمت معماری سرزمین آتش و آفتاب را برای شما بازگو کنم قطعاً در این مجال نمی گنجد که گویی دریایی است به عمق قدمت و اصالت این خطه زرگون! پس بنا را بر آن داشتم تا به معرفی بناهایی کمتر شناخته شده از دیار قنات و قنوت و قناعت اکتفا کنم.

یخچال خشتی تاریخی میبید :

با ناشناخته ترین شاهکار خشتی مهندسی شهر ابرکوه سخن را آغاز می کنم. شهری در فاصله ۲ ساعته از مرکز شهر یزد که نه با تکنولوژی های پیچیده امروزی که با آمیختن هنر و خشت خام توانسته است در عهد قاجار در زیر تیغ عمودی آفتاب به تولید و انبار یخ مبادرت ورزد و شاهکاری مهندسی را خلق کند. بنایی که حتی امروزه نیز شاهد اختلاف دمای حیرت انگیزی در فضای درون و بیرون آن هستیم.

تاکنون به شهرهای زیادی سفر کرده ام و متن های زیادی درباره آنها به نگارش درآورده ام این بار اما می خواهم واژه های ثقیل و گنگ را کنار بگذارم و برای اولین بار با مخاطب خود سخن بگویم.

من بارها به شهر یزد سفر کرده ام اما واقعیت این است که هر بار که تصمیم گرفته ام در مورد شهر یزد خطی نگارش کنم نتوانستم گویا جملات توان حمل این چنین بار سنگینی را ندارند، گویی جملات مبهوت این چنین عظمتی شده اند چگونه می توانم به خود جرات دهم تا در باب قدیمی ترین شهر ایران و دومین شهر تاریخی جهان چیزی بگویم.

یزد شهری که در نگاه من نقطه ای است از اتصال بین زمین و آسمان، شهر مردمان پایدار و سخت کوش که کوهها را به تیشه همت خود تراشیده اند و راه آب را از دل کوه ها به شهرهای خود باز کرده اند، مردمانی که دیارشان به دارالعباده مشهور است و خود از دیرباز پیوندی ناگسستنی با آب و خاک و آتش و باد بسته اند. آب را کیمیای خاک کرده و بادگیرهای خشتی خود را صیاد بادهای کویر ساخته اند.





از ویژگی مهم این سازه ها، به کارگیری درست و مدیریت مناسب منابع آب در مناطق خشک و نیمه خشک ایران است؛ با ساخت این یخچال ها نه تنها تابستان های گرم و سوزان با دشواری های کمتری طی می شود، بلکه برای دیگر فصل های سال و مواقع کم آبی و خشک سالی های احتمالی نیز ذخایر آب در دسترس بود. کارایی یخچال ها در سال دوبار صورت می گرفت؛ یکی در میانه زمستان (برای انباشتن یخ در مخزن و پوشاندن سطح یخ با پوشال و کاه) و دیگری در میانه تابستان (بهره برداری از یخ های انباشتی برای شرب و نیازهای دیگر). برای تهویه هوای داخل گنبد، دریچه ها و روزنه هایی ساخته شده بود تا مانع ذوب یخ در زمان های گرم سال شده و تهویه مناسب صورت گیرد. تمام این برنامه ریزی ها برای بهره برداری و مصرف یخ در روزهای گرم تابستان بود تا «یخچال دار» یخ ها را در درگاه جنوبی یخچال، به مردم تحویل دهد.

محوطه یخچال میبد یخچال میبد حوض گلی و کم عمق تقریباً ۰/۵ متر به مساحت تقریبی ۸۰۰۰ متر مربع است و دیوارهای بلند سایه انداز با ضخامت دو متر و ارتفاع ۸ متر در سه جهت جنوبی (با طول ۴۲ متر)، شرقی و غربی با طول ۲۰ متر قرار دارند. سطح قاعده دایره ای این گنبد حدود ۳۰۰ متر مربع است و ارتفاع گنبد تخمیناً ۱۵ متر می باشد. پهنای دیوار خشتی گنبد از بالا به پایین به طرز ماهرانه ای کاهش می یابد. در یخچال میبد و سازه های مشابه، سه مرحله «یخ سازی»، «یخ داری» و «تحویل یخ» در یک محل صورت می گرفت. یخچال گنبدی میبد، نمونه ای از سازه های سنتی و سازگار با زیست بوم ایران است که در نوع خود بهترین و بزرگترین نمونه از این دست به شمار می رود. از این نوع یخچال ها هنوز دو عدد در کرمان، کاشان، زواره، نایین، بم، سیرجان، ابرکوه و میبد وجود دارد. از نکات بسیار مهم در طراحی و کاربری این سازه های آبی، همخوانی و هماهنگی آنها با زیست بوم منطقه است که در شمار سازه های «سبز» محسوب می شدند.





مسجد ریگ ، مسجدی مدفون شده در زیر ریگ های روان یزد:

مسجد ریگ یکی از منحصر به فردترین مساجد ایران است. خاص بودن مسجد ریگ نه تنها به دلیل معماری زیبای آن بلکه به دلیل سرگذشت عجیبی که طی کرده است. این مسجد زیبا برای سال های متمادی در زیر ریگ های روان مدفون بوده و کسی از وجود چنین مسجدی آگاهی نداشته است. اگر هم کسی در منابع تاریخی با مسجد ریگ روبرو می شده است، احتمال میداده این مسجد ویران شده باشد و دیگر اثری از آن برجای نمانده باشد. اما در نهایت در سال ۱۳۷۰ به شکلی کاملا اتفاقی این مسجد کشف می شود و آن را از زیر ریگ بیرون می آورند و از همان زمان نام مسجد ریگ را برای آن انتخاب می کنند و این نشان دهنده قدرت عجیب ریگ های روان این بوم است که توانایی مخفی کردن چنین بناهایی را در دل خود دارد.



بنای مسجد به یک قرن قبل از سال ۹۰۹ هجری باز می گردد. وجود علائم شیعی در بخش های مختلف این بنا است که نشان دهنده ی این است که حکومت شیعی پیش از آن وجود داشته است. در میان این مسجد نیز چند قبر وجود دارد که با کاشی و آجر مزین شده اند. یکی از این قبور، در سمت چپ و جنب دیواره شرقی به اندازه ۶۸ در ۲۲۰ سانتی متر و به ارتفاع ۵۵ سانتی متر است که بر دوره آن کاشی معرق و به خط نسخ اسامی مبارک دوازده امام وجود دارد و درحاشیه سطوح آن آیه الکرسی و در وسط گل و بته لا اله الا الله محمد رسول الله کتابت شده است. هرچند که این مسجد فاقد کاشی کاری هایی زیادی می باشد، اما نحوه معماری آن به شکل خیره کننده ای با محیط اطراف آن همخوانی دارد و شاید علت اصلی این مسئله استفاده از مصالح بومی آن منطقه بوده است. گنبد این مسجد نیز از جنس آجر ساخته شده است و با وجود سادگی بسیاری که دارد از نظر زیبایی و جذابیت نیز قابل توجه و اهمیت است.

این مسجد در شهرستان رضوانشهر و از توابع استان یزد قرار دارد. قدمت مسجد ریگ به بیش از ۷۰۰ سال پیش بازمی گردد و در دسته مساجد تاریخی استان یزد قرار دارد. مسجد ریگ پس از خارج شدن از زیر ریگ مورد بازسازی و مرمت قرار گرفته و در فهرست آثار ملی نیز به ثبت رسیده است. (شماره ۲۴۰۲ مورخ مرداد ۸۷) مسجد ریگ از جمله قدیمی ترین مساجدی است که به سبک و سیاق مساجد شیعی ساخته شده است و این نشان دهنده تسلط مذهب شیعه در این سرزمین دارد. این مسجد دارای گنبد و شبستانی بزرگ است که به وسیله ستون هایی قطور برافراشته شده اند. ساختار معماری مسجد و ستونهای ستبر آن و وسعت بنای مسجد حکایت از بزرگی و عظمت رضوانشهر در گذشته های دور دارد.



کاروانسرای شاه عباسی در شهرستان میبد:

دستگاه ورودی کاروانسرا فاقد هشتی است و مستقیماً به ایوان شمالی گشوده می‌شود، ولیکن گشادگی انتهای ایوان به نوعی نقش هشتی را ایفا می‌کند. در میانه حیاط کاروانسرا، حوضخانه‌ای هشت وجهی قرار دارد که آب قنات به آن وارد می‌شده و حوض را پر آب می‌کرده است. حوضخانه فضایی خنک و دلپذیر در گرمای تابستان کویر بوده است که غرفه‌هایی برای استراحت کاروانیان در پیرامون آن ساخته‌اند. این کاروانسرا به سبب استقرار در جوار قلعه و نزدیکی به شهر امنیت کامل داشته و شاید به همین علت فاقد عناصر دفاعی، مانند برج است. حیاط کاروانسرا دارای ۲۴ حجره می‌باشد که در مجموع تعداد حجره‌های داخلی و خارجی این بنا به ۱۰۰ حجره می‌رسد. یکی دیگر از اجزای این مجموعه آب انبار بزرگی است که در جوار آن بنا شده است. این آب انبار دارای یک گنبد آجری و چهار بادگیر بلند است.

کاروانسرای شاه عباسی میبد از جمله کاروانسراهای سبک صفوی است که در میبد استان یزد واقع شده است. ساختمان کاروانسرا که حدود ۴۰۰ سال عمر دارد و در دوره سلطنت شاه عباس اول صفوی ساخته شده و از این جهت به رباط عباسی معروف است. این کاروانسرا هسته اصلی یکی از کامل‌ترین مجموعه‌های راهداری بوده و بناهایی مانند چاپارخانه و آب انبار و یخچال در جوار آن قرار داشته است. این بنا بر پلان مربع شکل و با شیوه حیاط مرکزی احداث شده است. در میانه کاروانسرا، حیاط مربع شکل وسیعی با گوشه‌های پخ وجود دارد که گرداگرد حیاط را ایوانچه‌ها و حجره‌های پشت آنها فراگرفته است.



این بنا با شیوه معروف چهار ایوانی و با آجر ساخته شده است. ساختمان کاروانسرا شامل ساباط، ایوان‌های بیرونی، هشتی ورودی، حیاط مرکزی، حوضخانه، مهتابی، چهار هشتی زیبا و فضاهای سرپوشیده شرقی و غربی و یکصد ایوان و اتاق و اجاق برای استفاده کاروانیان بوده است. ورودی کاروانسرا در میانه جنوبی آن در داخل یک مسیر سرپوشیده (کوچه و ساباط) که اصطلاحاً سول نامیده می‌شود، قرار دارد. همچنین درب چوبی بزرگی در ورودی بنا نصب شده است که بیانگر سیستم امنیتی کاروانسرا می‌باشد.

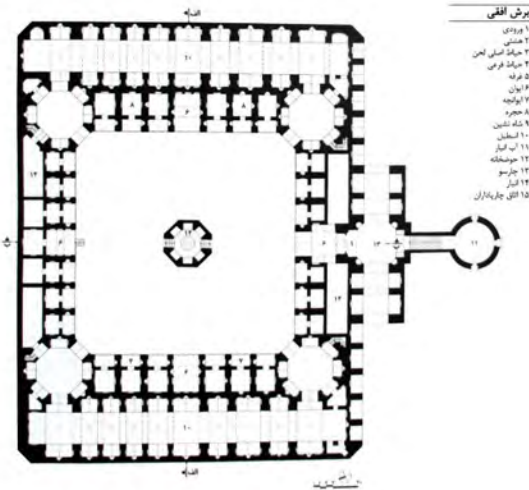




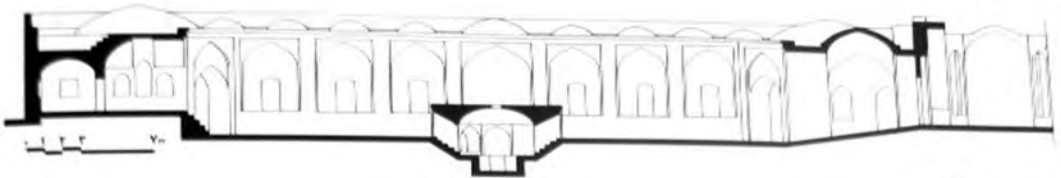
در میانه هر ضلع، ایوانی قرار دارد، ولی چون ارتفاع این ایوانها معادل ارتفاع ایوانچه هاست، نمود کمتری دارند. در کل، در این کاروانسرا، سطح کمتری به حجره ها اختصاص یافته است؛ به طوری که بعضی از حجره ها مساحتی به اندازه ایوانچه مقابل خود دارند. در چهار گوشه حیاط، فضاهای هشتی مانندی قرار دارد که راه اصطبلها و انبارها و پلکانهای بام از آنهاست. اصطبلها، برخلاف معمول، نه به صورت حلقه ای به دور بنا، بلکه تنها در پشت جبهه های شرقی و غربی قرار گرفته اند. کاروانسرا انبارهایی نیز دارد که فضاهایی کشیده است و در پشت حجره های جبهه های شمالی و جنوبی قرار دارد.



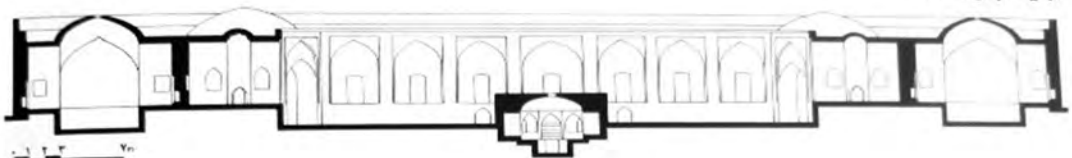
لازم به ذکر است هم اکنون از سالن شرقی این مجموعه به منظور معرفی و حفاظت از زیلوه های تاریخی میبید، موزه زیلو دایر گردیده است که در این موزه زیلوهایی با قدمتی بالغ بر ۵۰۰ سال وجود دارد و تنها موزه منحصر به فرد زیلو در ایران به شمار می آید. کاروانسرای شاه عباسی به شماره ثبتی ۱۶۱۸ و در تاریخ ۵۷/۵/۳۰ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.



برش عمودی B-B



برش عمودی A-A



آتشکده بهرام [آتشکده ورَهْرَام]

اتاق نگهداری آتش مقدس، در وسط ساختمان (دور از تابش خورشید) قرار دارد و در اطراف آن اتاق هایی برای نماز و نیایش طراحی شده اند. این آتش در ظرف بزرگی از جنس برنز و یک محفظه ای شیشه ای، بلندتر از سطح زمین در اتاقی نسبتاً وسیع و دور از تابش خورشید نگهداری می شود. آتشکده بهرام یزد در سال های اخیر درهای خود را به روی گردشگران گشوده است و بخشی از این مکان مقدس برای بازدید گردشگران داخلی و خارجی در نظر گرفته شده است. این اثر در تاریخ ۲۲ شهریور ۱۳۷۸ به شماره ۲۴۳۱ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.



قلعه مهرپادین مهریز: قلعه مهر پادین یکی از جاذبه های گردشگری مهریز در استان یزد است که در ۳۰ کیلومتری مرکز استان (یزد) قرار گرفته است و همه ساله گردشگران زیادی از آن بازدید می کنند. از این قلعه به عنوان سکونتگاه موقتی استفاده می شده است و با مساحتی به طول ۱۶۰ و عرض ۱۴۸ متر با چشم اندازی زیبا در میان کشتخوان ها، باغ های میوه و زمین های زراعی واقع شده است.



آتشکده زرتشتیان که به آن «آتشکده بهرام» یا «آتشکده ورَهْرَام» نیز می گویند، یکی از بناهای مقدس زرتشتیان است که در شهر یزد بنا شده است. این مکان مقدس در خیابان آیت الله کاشانی یزد واقع است. ساختمان آتشکده پیشینه کهنی ندارد. این بنا در آبان ماه ۱۳۱۳ خورشیدی با سرمایه اهدایی انجمن پارسیان هند در زمینی که از سوی چند تن از زرتشتیان ایران از جمله برادران امانت به نام پدرشان اردشیر مهربان رستم امانت وقف شد، ساخته شد. این آتشکده شامل ساختمان و باغ مشجری است که در آن آتش مقدس نگهداری می شود. از باستانی ترین دوران، آتشکده ها ساده و بدون زرق و برق ساخته می شدند و آتشکده یزد نیز از این قاعده مستثنی نیست. معماری ساختمان آتشکده از معماری آتشکده های پارسیان هند تأثیر گرفته است.



این بنا که در وسط حیاط واقع شده و درختان همیشه سبز آن را احاطه کرده اند، در حدود ۲۱ متر از سطح زمین بلندتر است و برای رسیدن به ورودی آن باید از ۸ پله بالا رفت. نگاره فروهر و سرستون های سنگی، زیبایی ویژه ای به ساختمان بخشیده اند. این سرستون ها و سنگ های گلدار پای دیوارها هنر دست هنرمندان اصفهانی است که در اصفهان سنگ ها را تراشیده و سپس تا یزد برده اند. کاشی های نگاره فروهر بالای سردر ورودی نیز توسط هنرمندان کاشی کار یزدی انجام پذیرفته است. در داخل ساختمان، دیوارها با تصاویر زرتشت و جمله هایی از کتاب مقدس اوستا تزئین یافته است. حوضی مدور و بزرگ در ورودی بنا به این مجموعه زیبایی خاصی بخشیده است و به رسم دیگر حوض های دنیا کف آن به وسیله بازدیدکننده ها با سکه های ریز و درشت پول فرش شده است.



در فاصله بین در اول (حصار بیرونی) و در دوم (حصار درونی) نیز فضای هشتی با پوشش ۴ بخشی وجود دارد که از فضای زیرین آن برای نگهداری کالا استفاده می شده است. پس از ورودی، شاه کوچه یا گذر اصلی قلعه وجود دارد که جهت آن شمالی - جنوبی است و ۳,۳۰ متر پهنا دارد. کوچه ها و گذرهای فرعی قلعه نیز با عرضی حدود ۱,۷۰ متر در جهت شرقی - غربی ساخته شده اند. درون قلعه فضاهای گوناگونی از قبیل اصطبل، بخش مسکونی (شاه نشین و عام نشین)، انبار نگهداری کالا و فضای عمومی یا مذهبی به چشم می خورد. فضای شاه نشین یا ارباب نشین قلعه در مرتفع ترین بخش بنا (بالای فضای ورودی) قرار دارد و بر تمامی فضاهای داخلی و محوطه خارجی مشرف است. اتاق های اشکوب پایین برای نگهداری احشام و طبقه فوقانی برای سکونت و زندگی مردم بوده است. امکان دستیابی به طبقه بالایی نیز از طریق راه پله ای باریک و خشتی میسر می شود و فضاهای داخلی کاهگل شده اند. در قسمت شرقی قلعه، چاه قنات عمیقی به چشم می خورد که احتمالاً آب مورد نیاز قلعه از این مکان تامین می شده است

قلعه مهرپادین مهریز دارای ۲ حصار و باروی دفاعی و ۹ برج مدور است. همچنین دور تا دور آن را خندقی عظیم احاطه کرده و فضاهای داخلی قلعه در ۲ حصار به ارتفاع حدوداً ۶,۵ متر محصور شده است. هر دو حصار به صورت چینه ای از خشت و گل ساخته شده و بخش فوقانی آنها فرم و شکل کنگره ای دارد. برج های حصار درونی قلعه نیز با ارتفاع تقریبی ۸,۵ متر دارای تیرکش ها و روزنه هایی برای دفاع است. دسترسی به قلعه از جانب جنوبی امکان پذیر بوده و در ورودی، چوبی و ۲ لته است و با گل میخ های فلزی تزئین شده است. سردر ورودی دارای قوسی خوش فرم و نیزه دار است و ارابه های برجسته با نقوش هندسی در ۲ طرف آن دیده می شود. قسمت بالایی آن نیز دارای تیرکش و تزئینات چلیپایی است.

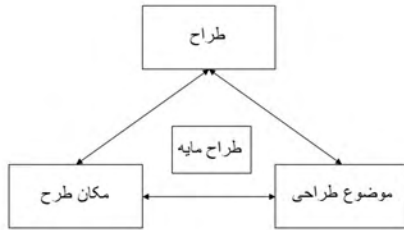


انعکاس

مروری بر فرآیند طرح ۲ ارشد دکتر حمید ندیمی در دانشگاه امام رضا
نگاهی به برگزیدگان نخستین مسابقه عکاسی نشریه تخصصی ایوان
با موضوع هویت معماری ایرانی



فرآیند کلاس با انجام تمرین هایی متناسب با مولفه های شکل دهنده طرح مایه و همچنین مبانی کتاب (طراحان چگونه می اندیشند) در قالب اسکیس (طراحی کوتاه مدت) صورت گرفت، تا بتواند فرآیند طراحی و نقاط ضعف را در نحوه رسیدن به طرح هر فرد را اصلاح کند.



این درس از دروس تخصصی رشته معماری اسلامی است که در دانشکده هنر کرمان، معماری و شهرسازی اسلامی امام (رضاع) توسط دکتر ندیمی تدریس می شود. هم زمانی این کارگاه طراحی با درس نظریه و روش های طراحی مکانی را فراهم کرد، تا به اتکای مبانی نظری مطرح شده در آن درس، بتوان از آنچه در فرآیند طراحی اتفاق می افتد مطلع شد و تاثیر و تغییرات ناشی از تمرین های مختلف را در مسیر طراحی دنبال کرد و با حضور توأم اساتید و دانشجویان درس مذکور صورت گرفت.

درس طراحی ابنیه مذهبی ۲

(دکتر حمید ندیمی)

استاد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی

نازنین پور سلیمی - نوید جلائیان قانع

[دانشجویان کارشناسی ارشد معماری اسلامی دانشگاه امام رضا (ع)]

در این شماره از نشریه ایوان به تشریح فرآیند درس طراحی ابنیه مذهبی (۲) مربوط به دانشجویان نیمسال اول و دوم سال ۹۵ می پردازیم. هدف محوری در این کلاس که به جنبه های معنایی و ارزشی معماری و همچنین خود تصحیحی در فرآیند طراحی نظر دارد و دانشجو باید همراه با طراحی به تبیین نظریه خود در زمینه طراحی معماری بپردازد و در طرح انعکاس دهد. شکل گیری طرح مایه معماری، دستیابی به کلیتی است که بتواند ضمن وزن دهی و الویت بندی مولفه های موثر در شکل گیری طرح، ابعاد و اجزای مختلف طرح را نیز در بر گیرد و تعریف کند، این کلیت در حین فرآیند طراحی صورت میگیرد و در درون طرح شکل میگیرد.



بنابراین باید تمام مدارک به صورت کامل در هر تمرین دیده می‌شد و خود سانسوری برای ارایه کار صورت نمی‌گرفت.

تمرین اول: مواجهه اولیه با طراحی با توجه به مکان و موضوع انتخابی هر دانشجو (تمرین مبنا)

دانشجویان در انتخاب موضوع طراحی و مکان طرح براساس ذهنیات قبلی آزادانه تصمیم گرفتند. این اسکیس، با هدف طرح و تثبیت ایده‌های اولیه‌ای که در ذهن دانشجو شکل گرفته و همچنین راه اندازی وی و سرعت بخشیدن به روند طراحی به طوری که شرایط دستیابی به طرح معماری کامل تر فراهم آید، انجام شد. در ادامه خواسته شد تا دانشجویان برنامه‌ای از دید کارفرما و بار دیگر از سوی طراح بنویسند. هم‌زمان در کلاس نظریه و روش‌های طراحی با مفهوم مولد اولیه، دام‌ها و سرفصل‌هایی متناسب با تمرین صحبت شد و در بیانیه هر فرد تاثیر این مفاهیم بیشتر به چشم می‌خورد.

در طول ترم چهار تمرین در قالب طراحی کوتاه مدت (اسکیس) برنامه ریزی شد. زمان در نظر گرفته برای اجرای هر یک از تمرین‌ها دوهفته بود و پس از انجام هر تمرین در جلسه کلاس دانشجویان فرآیند‌های طراحی خود را به نمایش در آورده و کرسکیون‌های انفرادی و جمعی به تحلیل و بررسی کار اختصاص یافت. و هفته‌های باقی‌مانده ترم برای تکمیل نهایی و هفته آخر نیز برای جمع‌بندی و عرضه کار در نظر گرفته شد. تمرین‌ها از دو بخش متن و حاشیه تشکیل می‌شد. متن به دست‌نگاره‌های طراحی و حاشیه آن به بیانیه طراحی اختصاص داده می‌شد. دست‌نگاره‌های طراحی یادداشت‌های تصویری طراح هستند که جریان اندیشه دانشجو را برای خودش قابل مشاهده می‌کند و به وی امکان ارزیابی و بازنگری و پیشبرد ایده‌ها را می‌دهد. بیانیه طراحی ثبت کلامی پشت صحنه طراحی و مراحل تکوین طرح است که در طول زمان اتفاق می‌افتد. برشمردن تمام عوامل که در طول طراحی موجب تغییر و تحول گردیده اهمیت بالایی دارد. بیانیه در بهترین شکل خود چگونگی جرقه‌ها بحران‌ها و گلوگاه‌های طراحی، نیروهای موثر در تسریع روند طراحی، چگونگی زمینه‌سازی و بستر سازی برای طراحی، کندوکاوهای ذهنی و گفتگوهای تنهایی طراح را با طرح نشان می‌دهد.



تمرین دوم: تحلیل پنج نمونه از بناهای سنتی و توجه به مکان طرح

در این بخش تمرین از دانشجویان خواسته شد تا پنج بنای سنتی را انتخاب و سپس به تحلیل و بررسی آن ها بپردازند. در جلسه کرسیون سواتاتی مطرح شد که به تحلیل درست تر بناها منجر شد. تحلیل ها شامل بررسی سایت ویژگی های بنا اعم از هندسه فضا، تقارن، سلسله مراتب، بررسی نسبت توده و فضا، تناسبات و عملکرد ها، شیوه ساخت و مصالح، تزئینات و... می شد.

موضوع طراحی: مسجد دانشجویان و ناوانان ذهنی

مقالع شماتیک در حین ترسیم پلان:

نکته کلیدی و تقسیم بندی پلانی بر اساس اضافه کردن "کوچه ها":

دیگرام عمودی ارتباط فضاها:

نتیجه گیری از آنالیز سایت:

این تمرین شامل نقشه‌های شماتیک، پلان‌ها، و یک دیگرام عمودی است که نحوه ارتباط فضاهای مختلف را نشان می‌دهد. همچنین یک پلان مفهومی با اضافه کردن کوچه‌ها برای بهبود دسترسی و ارتباطات فضایی ارائه شده است.

موضوع طراحی: مسجد دانشجویان و ناوانان ذهنی

نتیجه گیری از آنالیز سایت:

این تمرین شامل یک پلان مفهومی و یک پلان مفصلی است که نحوه ارتباط فضاهای مختلف را نشان می‌دهد. همچنین یک پلان مفهومی با اضافه کردن کوچه‌ها برای بهبود دسترسی و ارتباطات فضایی ارائه شده است.

موضوع طراحی: مسجد دانشجویان و ناوانان ذهنی

پلان همکف:

پلان شیب یک:

ایده طراحی ایوان:

این تمرین شامل یک پلان همکف و یک پلان شیب یک است که نحوه ارتباط فضاهای مختلف را نشان می‌دهد. همچنین یک پلان مفهومی با اضافه کردن کوچه‌ها برای بهبود دسترسی و ارتباطات فضایی ارائه شده است.

موضوع طراحی: مسجد دانشجویان و ناوانان ذهنی

پلان همکف:

پلان شیب یک:

ایده طراحی ایوان:

این تمرین شامل یک پلان همکف و یک پلان شیب یک است که نحوه ارتباط فضاهای مختلف را نشان می‌دهد. همچنین یک پلان مفهومی با اضافه کردن کوچه‌ها برای بهبود دسترسی و ارتباطات فضایی ارائه شده است.

موضوع طراحی: مسجد دانشجویان و ناوانان ذهنی

پلان همکف:

پلان شیب یک:

ایده طراحی ایوان:

این تمرین شامل یک پلان همکف و یک پلان شیب یک است که نحوه ارتباط فضاهای مختلف را نشان می‌دهد. همچنین یک پلان مفهومی با اضافه کردن کوچه‌ها برای بهبود دسترسی و ارتباطات فضایی ارائه شده است.

موضوع طراحی: مسجد دانشجویان و ناوانان ذهنی

پلان همکف:

پلان شیب یک:

ایده طراحی ایوان:

این تمرین شامل یک پلان همکف و یک پلان شیب یک است که نحوه ارتباط فضاهای مختلف را نشان می‌دهد. همچنین یک پلان مفهومی با اضافه کردن کوچه‌ها برای بهبود دسترسی و ارتباطات فضایی ارائه شده است.

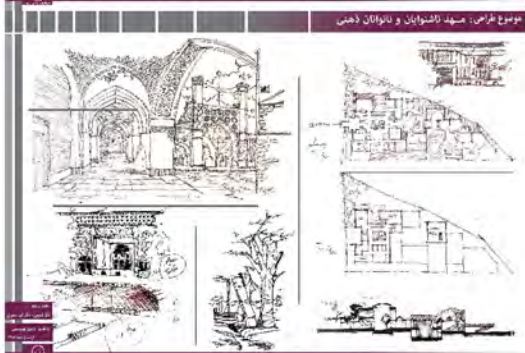
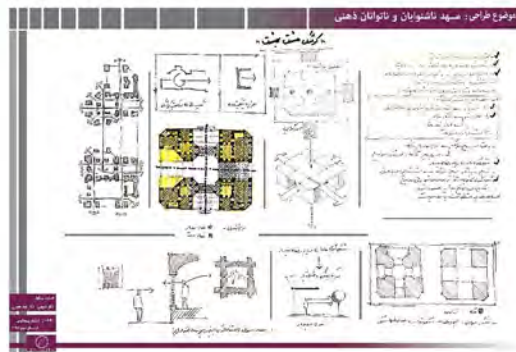
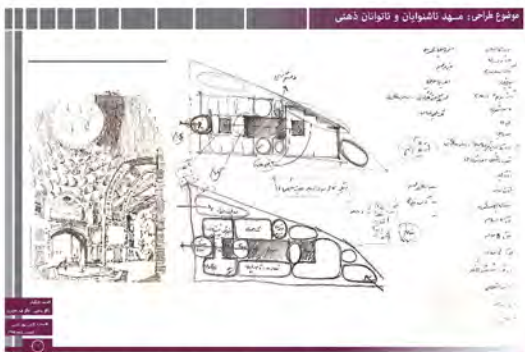
موضوع طراحی: مسجد دانشجویان و ناوانان ذهنی

پلان همکف:

پلان شیب یک:

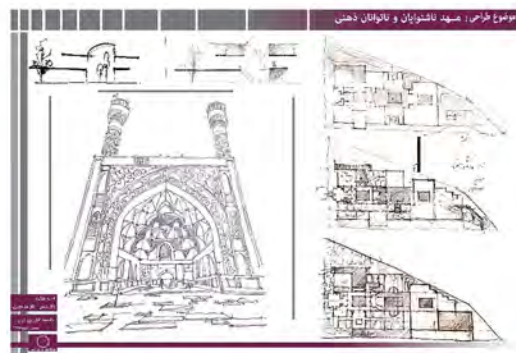
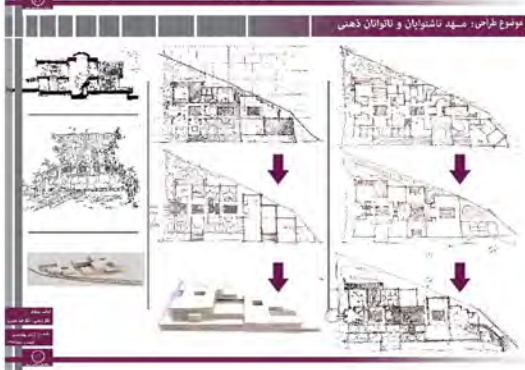
ایده طراحی ایوان:

این تمرین شامل یک پلان همکف و یک پلان شیب یک است که نحوه ارتباط فضاهای مختلف را نشان می‌دهد. همچنین یک پلان مفهومی با اضافه کردن کوچه‌ها برای بهبود دسترسی و ارتباطات فضایی ارائه شده است.



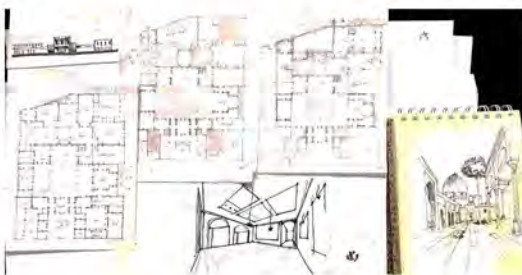
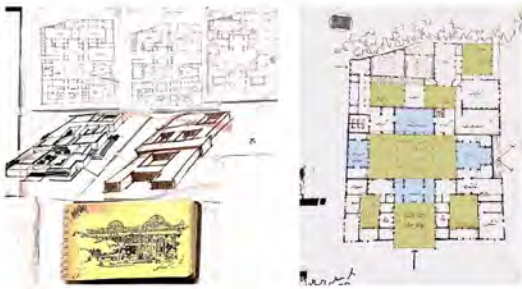
تمرین سوم: طراحی مجدد تمرین اول براساس آموزه های معمار سنتی و آورده های تحلیل بناهای سنتی.

در این تمرین از دانشجویان خواسته شد تا تمرین اول را تکرار کنند یعنی موضوع طراحی انتخابی خود را، براساس تحلیل های انجام شده و مطابق با معیار ها و آموزه های معمار سنتی طراحی کنند و برای دستیابی به سوال هایی که در حین طراحی ایجاد می شود به بناها و راهکارهای معمار سنتی رجوع کنند. انجام اسکیس های مختلف با تاکید بر مولفه های شکل دهنده طرح مایه، می تواند بر رشد ذهنی دانشجویان در فهم مراحل فرآیند طراحی مفید باشد. این تاثیرات را میتوان از طریق مقایسه اسکیس اول و سوم مشاهده کرد.



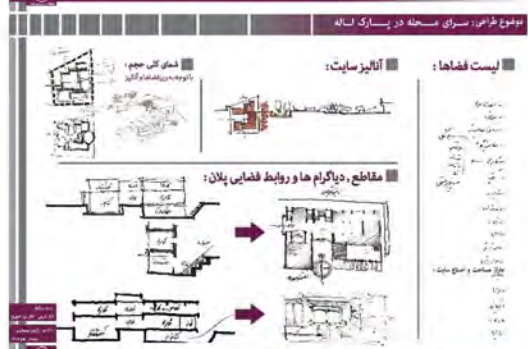
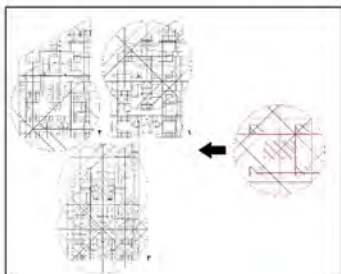
تمرین چهارم: طراحی موضوع مشترک فرهنگسرا براساس سرمشق گرفتن از بناهای سنتی، سنجش تاثیر مولفه موضوع

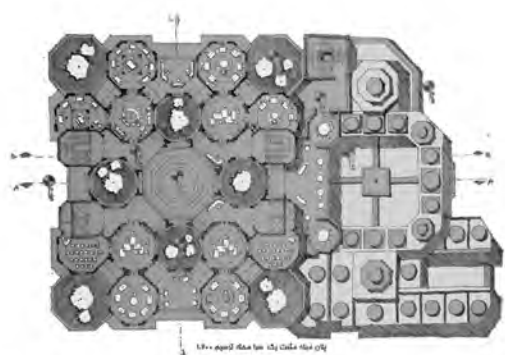
در این تمرین از دانشجویان خواسته شد تا موضوع طراحی تعیین شده و مشترک بین دانشجویان را در مکان طرح انتخابی مشترک طراحی کنند. و همچنین تمامی مدارک باید مستند میشد و در جلسات مختلف کلاس نظریه و روش ها به سرفصل هایی از کتاب، متناسب با تمرین پرداخته شد.



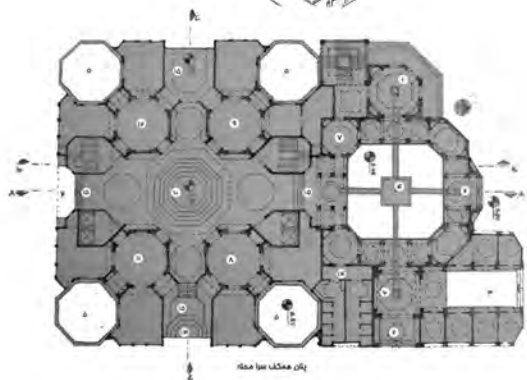
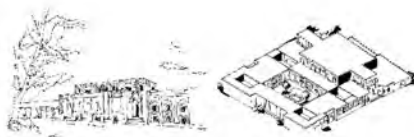
تکمیل طرح نهایی

زمان باقی مانده ترم به تکمیل طراحی هر فرد اختصاص یافت و چارچوبی برای تمامی پروژه ها مشخص گردید.





پازیر - نما مکتب میر محمد - ۱۳۸۰



پازیر - نما مکتب میر محمد - ۱۳۸۰



پازیر - نما مکتب میر محمد - ۱۳۸۰



پازیر - نما مکتب میر محمد - ۱۳۸۰

دانشجویان در حین طراحی باید و نیایدی در ذهن دارند که برای آشکار شدنشان باید در معرض اتفاقات مختلف قرار گیرند.

این کلاس کمک کرد ضمن اینکه ذهن دانشجویان با معطوف شدن به تاثیر مولفه های شکل دهنده طرح مایه و بهره آموزشی در فهم سازو کارهای فرآیند طراحی هر دانشجو در مسیر خود تصحیحی قرار گیرد.

هدف از آموزش طراحی، تصحیح و تقویت فرآیند های ذهنی دانشجو نه تنها در حرکت از مساله به راه حل بلکه قادر ساختن او است به جنس هر مساله طراحی و یادگیری راه برد های متناسب با انواع مساله هایی که از جنس آن هستند. که در این کلاس با مستند سازی منظم فرآیند های ذهنی بخشی از آن برآورده شد.

مسابقه عکاسی

مسابقه عکاسی با موضوع هویت معماری ایرانی



نخستین مسابقه عکاسی نشریه هنر و معماری ایوان با "موضوع هویت معماری ایرانی" در زمستان ۹۶ با حضور علاقه مندان به معماری ایرانی اسلامی و عکاسان حرفه ای برگزار شد، که از بین ۸۳ شرکت کننده و مجموع ۲۵۰ اثر با رای هیئت داوران نشریه ایوان تعداد ۱۳ اثر انتخاب شدند. که از سه اثر منتخب اول تقدیر به عمل آمد هیئت داوران نخستین مسابقه عکاسی نشریه ایوان با موضوع هویت معماری ایرانی به شرح ذیل می باشد

دکتر محمد نقی زاده - دکتر علی عمران پور
دکتر حمید ندیمی - مهندس ایمان عرب



رتبه نخست: فاطمیه ارومیه ای
مکان: فانه عباسیان کاشان



رتبه سوم: مائده ربانیان
مکان: بازار امام علی اصفهان



رتبه دوم: نیما ابوالقاسمی
مکان: مسجد جامع اصفهان



عکس منتفب: فائزه مصار سرفی
مکان: فانه داروغه مشهد



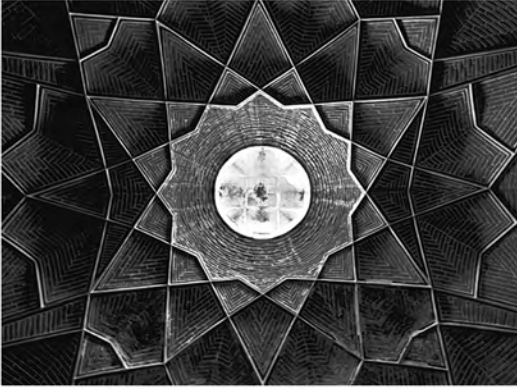
عکس منتفب: رامیل زارعی
مکان: فانه تاریفی کاشان



عکس منتفب: افسانه فرزند دوست
مکان: فانه سنتی دوره قاجار



عکس منتفب: امید فلام زاده
مکان: فانه آقا زاده ابر کوه



عکس منتفب: فرمین اسماعیلیان
مکان: بازار تاریخی کاشان



عکس منتفب: زهرا صبوری
مکان: فانه داروغه مشهد



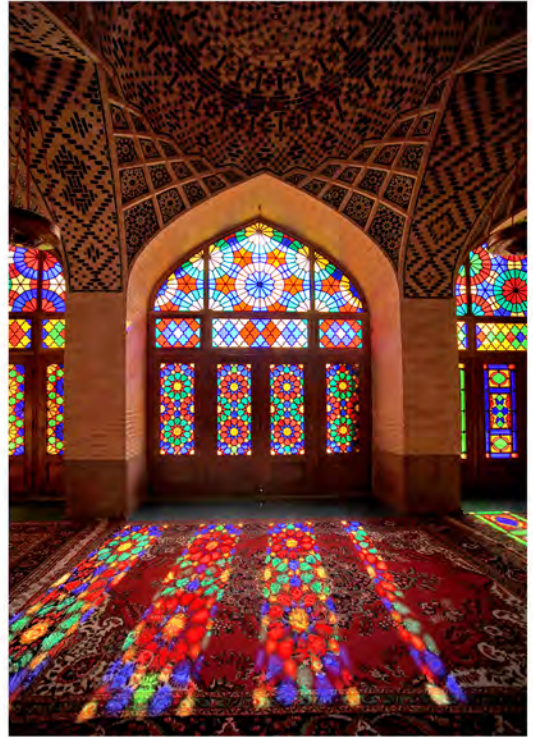
عکس منتفب: بیتا نیک فرجام
مکان: مسجد تاریفانه دامغان



عکس منتفب: مائده ربائیان
مکان: بازار امام علی اصفهان



عکس منتفب: امید فلام زاده
مکان: مسجد نصیر الملک شیراز




عکس منتفب: فاطمه ارومیه ای
مکان: مسجد نصیر الملک شیراز

۱۳ اثر برگزیده نخستین مسابقه عکاسی نشریه هنر و معماری ایوان

با موضوع هویت معماری ایرانی اسلامی

ریویا

فراخوان

مقاله، گزارش، نقد 

موضوع شماره بهار ۹۷

هندسه
ایرانی اسلامی



نشریه علمی تخصصی هنر و معماری ایوان از تمامی دانشجویان، اساتید، علاقه مندان و دوستاران معماری ایرانی و اسلامی دعوت به عمل می آورد تا با توجه به موضوع شماره آتی نشریه ایوان که در خصوص هندسه معماری ایرانی اسلامی خواهد بود در هر یک از آیتم های محتوایی (مقاله / گزارش / نقد) اطلاعات و داده های علمی خود را از طریق ایمیل و همچنین راه های ارتباطی نشریه برای ما ارسال کنند.

با تشکر

سردبیر نشریه ایوان

ایمان عرب

۰۹۱۲۰۲۱۴۵۳۰

Eyvan1.Journal@gmail.com

Eyvan1.Journal@yahoo.com

[Telegram.me/eyvan_journal](https://t.me/eyvan_journal)

[Instagram.com/eyvan.journal](https://www.instagram.com/eyvan.journal)

مهندس ایمان عرب

پست الکترونیک

پست الکترونیک

کانال تلگرام

پیج اینستاگرام

هشت مهرراز

تخصصی ترین مرکز آموزش معماری و شهرسازی شرق کشور

برگزارکننده دوره های

● آمادگی آزمون دکتری

● آمادگی آزمون کارشناسی ارشد

● آمادگی آزمون نظام مهندسی

● دوره های آموزشی کاربردی (نرم افزار، اسکیس ...)

● اولین و تخصصی ترین کتابخانه خصوصی معماری و شهرسازی در ایران

● تخصصی ترین فروشگاه کتاب معماری و شهرسازی شرق کشور

● مرکز پژوهش های معماری و شهرسازی

● مسابقات و نمایشگاه های عمومی و اختصاصی

● سمینارها و نشست های تخصصی


● تورهای اختصاصی داخلی و خارجی

مشهد | بلوار معلم | بلوار سیدرضی | سیدرضی ۳۳ | پلاک ۱/۲۳۹

تلفن : ۳۸۶۷۱۶۲۵ | سامانه پیام کوتاه : ۱۰۰۰۵۱۳۸۶۷۰۰۶۱

Email : info@mehrazehasht.ir | www.Mehrazehasht.ir

 @Mehrazehasht

 Mehrazehasht



اریون



انجمن عالی معماری اسلامی



مشاور عالی

نشریه علمی تخصصی دانشجویی
دانشکده هنر و معماری اسلامی
دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)